

عصر

فصلنامه علمی-دانشجویی عصر | ۶۱۵ / ک ن ش
سال اول، شماره دوم، زمستان ۹۸

فَلَا تَسْأَلُوا عَلَيْهِ أَهْلًا
لَا أُمَّةٌ وَلَا مَنْزِلًا يُقْرَبُ

در این شماره خواهید خواند.

محبت به اهل بیت
در افغانستان

علي ابن أبي طالب عليه السلام
في الفكر المسيحي

اسباب و نشانه‌های
عشق راستین
در آیات و روایات

تحلیل فراگفتمان تبادل
اجر رسالت



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصلنامه علمی-دانشجویی **عَصْرٌ**

شماره مجوز: ۶۱۸/ک ن ش به تاریخ: ۹۸/۴/۵

صاحب امتیاز: انجمن علمی هیات دانشگاه شیراز

مدیر مسئول و سردبیر: حمیدرضا بختو، دانشجوی کارشناسی فلسفه و کلام اسلامی

استاد مشاور: دکتر زهرا قاسم نژاد

هیأت داوران:

دکتر قاسم کاکایی، دکتر محمد مهدی آجیلیان، دکتر محمد باقر عباسی، دکتر زهرا قاسم نژاد، دکتر علی اکبر کلاتری، دکتر محمدجواد سلیمانپور، دکتر مجتبی جاویدی، دکتر صبورا حاج علی اورک پور.

هیأت تحریریه نشریه:

سیده محبوبه کشفی دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
زهرا امیدی: دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
ابراهیم حسین خانی: دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
فهمیه خراتی دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
الهام استوار: دانشجوی کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث
نرجس کارگر: دانشجوی کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث
حامد محرابی: دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث
آقای حسین پرندهک: دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق
مریم صادقی دوست دانشجوی کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی
عاطفه سلطانی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

ویراستار: عاطفه سلطانی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

گرافیک و صفحه آرایی: مهرداد رضایی

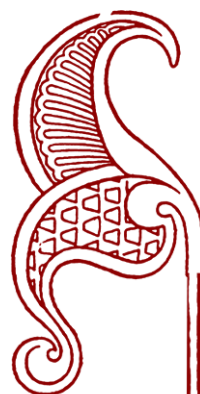
راههای ارتباط با نشریه

ایمیل islamictheology28@gmail.com

تلفن ۰۹۹۲۲۴۷۹۳۰۳



فهرست مطالب



در محضر قرآن ۵

سرمقاله: یگانه اجر رسالت ۶

تحلیل فراکفتمان تبادلی اجر رسالت در آیه شریفه
« قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ » ۷

اسباب و نشانه‌های عشق راستین در آیات و روایات ۱۳

جستاری در معنای حبّ و آثار محبّت به اهل بیت (ع) از منظر روایات ۱۹

نقد و بررسی دیدگاه مفسران فریقین در بیان
مصدق واژه اهل البيت ذیل آیه تطهیر ۲۴

محبّت به اهل بیت در افغانستان ۳۰

علي ابن أبي طالب (ع) فی الفكر المسيحي ۳۲

شوق بال ۳۵

جدول ۳۶

در محضر رسول گرامی اسلام ۳۸



شرایط پذیرش مقالات

- هر مقاله از حدود ۷ تا ۱۰ صفحه کاغذ قطع آ چهار حروف نگاری شده تجاوز نکند؛
- مقاله حاوی چکیده فارسی و انگلیسی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد؛
- کلید واژه ها (دست کم ۵ تا ۷ واژه) پس از چکیده درج شود؛
- متن مقاله ها با نرم افزار word ۲۰۱۳ یا word ۲۰۱۰ و فونت B Nazanin ۱۱/۵ و واژه‌های انگلیسی با قلم Time New Roman نوشته شود و فایل مقاله از طریق وب سایت نشریه ارسال شود؛
- اعداد و نوشته های داخل جدول حتما باید به صورت فارسی نوشته شود بجای نقطه در اعداد فارسی باید ممیز (/) گذاشته شود.
- تمام صفحه‌ها از صفحه عنوان تا پایان آن، شماره‌گذاری شوند. شماره‌گذاری از یک شروع و به ترتیب ادامه یابد.
- زیر نام نویسنده یا نویسندگان، مرتبه علمی دانشگاهی، محل اشتغال، نشانی کامل، شماره تلفن، دورنگار و نشانی پست الکترونیکی درج و نویسنده مسؤول مکاتبات مشخص گردد.



در محضر قرآن



ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ
يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

این (بهشت ابد) همان است که خدا به بندگانی که ایمان آورده و نیکوکار شدند بشارت آن را داده است. بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید (و دوستدار آل محمد باشید، که این اجر هم به نفع امت و برای هدایت یافتن آنهاست)، و هر که کاری نیکو انجام دهد ما نیز در آن مورد بر نیکویش بیفزاییم که خدا بسیار آمرزنده گناهان و پذیرنده شکر بندگان است.

شوری/۲۳



سخن سردبیر

یگانه اجر رسالت

خداوند متعال از رسول گرامی اسلام می‌خواهد که به امت خود اعلام نماید اجر رسالتش تنها مودت به قربای اوست: «قُلْ لَأَسْئَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳). مودتی که در روایات ما اساس اسلام دانسته شده است: «أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۶)؛ بنابراین با توجه به آیه قرآن که تنها اجر رسالت را مودت دانسته و آموزه‌های روایی که اساس اسلام را حبّ به اهل‌البیت دانسته‌اند ضروری است در آموزه‌های قرآنی و روایی، به «محبت به اهل بیت» به عنوان یگانه اجر رسالت توجه شود. با توجه به ضرورت بحث، نشریه عصر در شماره دوم خود با محوریت آیه ۲۳ سوره شوری به مسأله «محبت به اهل بیت» پرداخته است. امید می‌رود در سایه آیات قرآن و تعالیم اهل بیت بتوانیم به جیبی دست یابیم که زمینه نجات و سعادت ابدیمان را رقم زند. این حبّ تنها جیبی است که معلول معرفت و علت طاعت باشد. هرگاه محبت ما به اهل بیت معلول معرفت ما باشد علت طاعت ما هم خواهد شد. این است که خداوند تنها اجر رسالت را مودت به قربای می‌داند.

در همین‌جا بر خود لازم می‌دانم از تمام دانشجویان و اساتیدی که ما را در این شماره از نشریه یاری نمودند کمال تشکر را داشته باشم و از خوانندگان محترم هم می‌خواهم با ارسال پیشنهادات خود ما را در غنای نشریه یاری فرمایند.



حمیدرضا بختو

دانشجوی کارشناسی فلسفه اسلامی دانشگاه شیراز

مدیر مسئول و سردبیر

مقاله

تحلیل فراگفتمان تبادلی اجر رسالت در آیه شریفه « قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ »

سیده محبوبه کشفی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

چکیده

تحلیل فراگفتمان یکی از زیرمجموعه‌های علم زبانشناسی کاربردی است که خواننده را به تأمل در متن تشویق کرده و متوجه نشانه‌ها، ابزارهای گفتمان و اهداف به کارگیری آن نشانه‌ها می‌کند. شناسایی نشانه‌ها و دقت در نحوه‌ی گزینش آن‌ها در متون مقدّسی هم‌چون قرآن کریم، و حیاتی بودن این کتاب را برای مخاطبان روشن می‌سازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی و بر مبنای الگوی فراگفتمانی هایلند به بررسی انواع نشانه‌های فراگفتمان به کاررفته در آیات موضوعی «اجر رسالت با محوریت آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری» می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در تمامی آیات مرتبط با موضوع اجر رسالت هیچ نشانه‌ی تردیدآمیز به کار نرفته‌است؛ بلکه خداوند متعال با به کارگیری نشانه‌های یقین‌نما و خوداظهاری‌ها جهت قوت‌بخشی و تأکید بر آن، اجر رسالت را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: سوره شوری، اجر رسالت، فراگفتمان تبادلی، موده فی القربی.

۱. مقدمه

نظریه‌فراگفتمان

زبان صرف نظر از معنای لغوی آن یکی از توانایی‌های ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و پیام است؛ بنابراین الفظی که به کار برده می‌شوند، قصد رساندن پیامی را به مخاطب دارند. علامه طباطبایی ارتباط لفظ و معنا از طریق زبان را یک امر لازم برای حیات اجتماعی انسان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۹۵-۹۶). زبان انسان ترکیبی از دو مؤلفه لفظ و معنا است. علائم و نشانه‌های کلامی، مرتبط با واقعیت‌های بیرونی (آفاقی و انفسی) و بیانگر معانی است. این ارتباط چنان وثیق است که وقتی فرد در تعامل با دیگران صحبت می‌کند، دیگران بدون تصوّر صورت الفاظ با معانی در ذهن خود روبه‌رو می‌شوند. مطالعات زبانشناسی در قرن حاضر متوجه کارکردهای گوناگون و بسیار متنوع زبان است (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۵: ۱۶ و ۲۰). دین نیز دارای محتوایی است که از طریق ابزار زبان انتقال یافته‌است؛ پس باید به زبان قرآن و محتوای آن توجهی ویژه داشت تا بدین طریق بتوان به فهم عمیق‌تر کلام خداوند متعال دست یافت.

شیوه‌ای که می‌توان به شناخت قرآن و زبان قرآن دست یافت تحلیل متن قرآن است. آگاهی از ویژگی‌ها و خصوصیات حاکم بر متن می‌تواند در فهم بهتر و عمیق‌تر آیات قرآن نقش به‌سزایی داشته باشد. امروزه بررسی زبان متن را با اصطلاح «زبان‌شناسی» می‌شناسند. یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی، «زبان‌شناسی کاربردی» است. زبان‌شناسی کاربردی به طور خاص در دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ با دو رویکرد متفاوت در تعریف همراه بود به نحوی که از دیدگاه برخی زبان‌شناسی کاربردی صرفاً به حوزه آموزش زبان انگلیسی منحصر می‌شد و از دیدگاه افرادی دیگر به متونی دیگر نیز قابل تعمیم بود که به باور پیروان این رویکرد، شاخه‌های نوظهوری چون ترجمه، فرهنگ‌نگاری، آسیب‌شناسی گفتار به عنوان حوزه‌های زبان‌شناسی کاربردی شناخته می‌شوند.

نظریه فراگفتمان از جمله نظریات معروف در زبان‌شناسی معاصر است که «کن هایلند» الگوی آن را ارائه کرده‌است. فراگفتمان، توانایی تحلیل انواع آثار مکتوب را دارد و به عنوان ابزاری مهم در تسهیل ارتباط میان نویسنده و خواننده است. بنابر باور هایلند، نویسنده آگاهانه یا غیرآگاهانه از ابزارها و نشانه‌های مختلف زبانی نظیر یقین‌نماها، احتیاط‌ها، خوداظهاری‌ها و... با خواننده تعامل برقرار می‌کند و مشارکت او را جلب می‌نماید (Hyland ۲۰۰۵: p۱۷۷). نشانه‌های فراگفتمان ابزاری هستند که بدون اضافه کردن چیزی به محتوای اصلی متن جهت سازماندهی زبان به کار می‌روند. این نشانه‌ها در درک بهتر خوانندگان از نگرش نویسنده و ایجاد و تحکیم ارتباط بین نویسنده و خواننده نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

کریموز، مارکان و استفسن نشانه‌های فراگفتمان را به عنوان ابزاری جهت سازماندهی زبان (گفتاری و نوشتاری) تعریف می‌کنند بدون آن که چیزی به محتوای اصلی اضافه کنند. ونده کوپل در تعریف خود از نشانه‌های فراگفتمان به نقش آن‌ها در درک بهتر خوانندگان از نگرش نویسنده اشاره می‌کند (عبدی و محمدی، ۱۳۹۲: ۹۵). همچنین هایلند نیز نقش این ابزار زبانی را ایجاد و تحکیم ارتباط بین نویسنده و خواننده می‌داند (Hyland, ۲۰۰۵: p۱۷۷).

الگوی نظری هایلند در دو بخش تعاملی و تبادلی قابل ارائه است که وی برای هر یک، پنج زیرمجموعه تعریف می‌کند. بدین صورت که عوامل فراگفتمان تعاملی شامل گذارها، قالب‌نماها، ارجاعات درون متنی، استنادها و ابهام‌زادها هستند و عوامل فراگفتمان تبادلی شامل تردیدنماها، یقین‌نماها، نگرش‌نماها، خوداظهاری‌ها و دخیل‌سازها هستند.

اهمیت ورود به علم زبانشناسی کاربردی و شاخه فراگفتمان از آن جهت است که با تحلیل و بررسی گفتمان‌ها و دقت در نشانه‌های به کار رفته می‌توان متن و مقصود نویسنده را دقیق‌تر درک کرد. در واقع اثر شناخت نشانه‌های فراگفتمانی بر درک بهتر و عمیق‌تر مطلب بسیار زیاد است؛ زیرا که تعامل بین نویسنده متن و خواننده از طریق به کارگیری فراگفتمان حاصل می‌شود و در نهایت منجر به تولید متن می‌شود؛ بنابراین خواننده با شناخت بهتر این نشانه‌ها به درک بهتر و نزدیک‌تری از مقصود نویسنده دست می‌یابد و بدین ترتیب این خود به تعامل بیش‌تر و بهتر میان نویسنده و خواننده و پردازش متن نیز می‌انجامد.

نویسنده بدون به کارگیری ابزارهای فراگفتمان نمی‌تواند تغییر موضوع، نگرش‌های عاطفی، رویکردهای مثبت یا منفی خود و نتیجه‌گیری را منتقل کند. این نشانه‌ها نقشی بسیار مؤثر در دستیابی به رویکرد و نگرش نویسنده دارند. اگر خواننده از این نشانه‌ها آگاهی نداشته باشد متن پیش روی خود (قرآن کریم) را همچون یک متن سنگین تلقی می‌کند و نمی‌تواند با آن ارتباط برقرار کند و حتی گاه ممکن است دچار کج‌فهمی و برداشت نادرست شود.

دغدغه اصلی از آشنایی با نشانه‌های فراگفتمان، درک بهتر و عمیق‌تر از کلام خداوند متعال و آیات قرآن کریم است؛ در نتیجه آگاهی‌نداشتن از این نشانه‌ها نیز ما را به مقصود و مطلوب نمی‌رساند. خداوند متعال در آیات قرآن کریم بارها به تعقل و تدبیر دعوت کرده‌است. حال آیا بدون تأمل در گزینش واژگان، خطابه‌ها، خوداظهاری‌ها، یقین‌نماها و... می‌توان درک مساعدی از آیات قرآن کریم داشت؟ همچنین توجه به کاربرد یا عدم کاربرد برخی نشانه‌های فراگفتمان نیز خود عاملی بسیار مؤثر در فهم دقیق کلام خداوند متعال است؛ زیرا که گاه در عبارت قرآنی، هیچ نشانه احتیاطی دیده نمی‌شود و این خود نشان از اهمیت و میزان تأکید خداوند متعال بر آن موضوع دارد.

از این رو در این مجال سعی بر آن بوده‌است که با بررسی نشانه‌های فراگفتمانی در آیات مرتبط با موضوع اجر رسالت، به بررسی اهمیت موضوع اجر رسالت، رویکرد خداوند متعال به آن و نحوه بیان خداوند برای انتقال این موضوع به خوانندگان پرداخته شود؛ بنابراین آیات اجر رسالت با تکیه بر آیه ۲۳ سوره شوری بررسی می‌شود.

پیشینه تحقیق

بررسی آثار حوزه زبانشناسی کاربردی گواه آن است که نشانه‌های فراگفتمانی از شاخص‌های مهم برای درک بیشتر و تسهیل در تعامل با خداوند متعال و این کتاب آسمانی است؛ اما با این حال در زمینه نشانه‌های فراگفتمانی در آیات قرآن کریم، آثار مستقلاً که به مسأله اجر رسالت توجه شده‌اند، وجود ندارد. لازم به ذکر است که مقالات متعددی در زمینه محبت اهل بیت (ع) تا کنون به چاپ رسیده‌است که می‌توان به کثرت در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله مشاهده نمود؛ اما بحث از نشانه‌های فراگفتمانی به طور عمده در متون انگلیسی، متون فارسی (هم‌چون رمان) و برخی کتب عربی بررسی شده و به چاپ رسیده‌است. البته پایان‌نامه‌ای در این حوزه زبان‌شناسی با تکیه بر متن قرآن کریم در سال ۱۳۹۱ با عنوان «بررسی نشانه‌های صوری احتیاط در هفت سوره قرآن کریم (در چارچوب هایلند)» به زبان فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شده‌است.

اجر رسالت فقط محبت اهل بیت داشتن می‌باشد؛ زیرا در غیر این صورت باید عبارت بدین صورت «الّا مودّه القربی» به کار برده می‌شد. در حالی که خداوند با این ساختار، حصر محبت اهل بیت را متذکر می‌شود؛ بدین معنی که فقط به ایشان محبت و دوستی داشته باشیم (سایت اسراء ذیل آیه ۲۳ شوری). هم‌چنین طبرسی در تفسیر خویش با متعلق دانستن «فی القربی» به فعل محذوف، مفهوم انحصار را مستدل کرده‌است. بدین صورت که خداوند متعال در آیه مورد نظر، خویشاوندان خود را محل و مقرر دوستی قرار داده‌است (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۴۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۱۹).

چنانکه عبارت عربی «لی فی آل فلان مودّه و لی فیهم حبّ شدید» این مفهوم را می‌رساند و مقصود این است که آنها را دوست داری و آنان محل محبت و دوستی تو می‌باشند. ایشان چنین ادامه می‌دهد که حرف جر «فی» در «فی القربی» صله (متعلق) به مودت نیست؛ بلکه متعلق به فعل محذوف است و بدین ترتیب مفهوم آیه چنین است که «جز مودت را که در خویشاوندان ثابت است، چیز دیگری نمی‌خواهم» (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۴۸).

تحلیل فراگفتمان تبادلی در آیات اجر رسالت

پژوهش حاضر به بررسی انواع و تعداد نشانه‌های فراگفتمان تبادلی به کار رفته در آیات هم موضوع با میحث اجر رسالت می‌پردازد. بدین منظور با استفاده از جدول‌هایی انواع و تعداد نشانه‌های فراگفتمان به کار رفته در آیات را بر اساس مدل نشانه‌های فراگفتمان هایلند مطالعه و ارائه می‌شود.

خوداظهارها: یکی از نشانه‌های فراگفتمان تبادلی، نشانه‌های خوداظهار است. این نشانه‌ها اشاره به میزان حضور نویسندگان در متن و گفتمان دارد که می‌توان آن‌ها را به صورت متکلم وحده یا متکلم مع‌الغیر در زبان عربی جست. در جدول زیر گزارش می‌شود که در آیات ذیل خداوند متعال با خوداظهار به خوبی نظر خود را نسبت به این مسئله به وضوح و صریح بیان کرده‌است. البته قابل ذکر است که در این آیات خداوند به پیامبر دستور می‌دهد تا با خوداظهار موضوع را مطرح نماید؛ زیرا این موضوع که انبیاء در برابر رسالت خود اجری را دریافت نمی‌نمایند زمانی می‌تواند اثربخش باشد که از زبان خود انبیاء بیان گردد.

ما أَسْأَلُكُمْ (شعراء/ ۱۸۰)	ما أَسْأَلُكُمْ (فرقان / ۵۷)	ما سَأَلْتُكُمْ (سبا/ ۴۷)
ما أَسْأَلُكُمْ (ص/ ۸۶)	لا أَسْأَلُكُمْ (شوری/ ۲۳)	

تقویت‌کننده‌ها: کلماتی هستند که میزان اطمینان نویسندگان را از درستی مطلب و عبارات نشان می‌دهد. در آیات مذکور به صورت کاربرد «همراهی نفی با ادات استثنا» دیده می‌شود. یکی از حالات تأکیدی در زبان عربی، هم‌اهسازی الفاظ نفی با ادات استثنا می‌باشد؛ بدین صورت که در برگردان آن به زبان فارسی می‌توان به دو گونه ترجمه نمود: الف) ترجمه مثبت: جمله با بار معنایی مثبت (عدم ذکر ادات منفی‌ساز) همراه با کلماتی همانند «فقط، تنها و منحصر» آورده‌شود. ب) ترجمه منفی: جمله با استفاده از ادات منفی‌ساز و ذکر کلماتی همانند «مگر، جز، غیر» بیان شود (نفی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۱۹؛ معروف، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

با توجه به جدول ذیل، عبارات حائز تأکید در قالب نفی و استثنا آورده می‌شود.

وی برای هر یک تعریفی به اجمال ارائه می‌دهد (Amirouusefi and Barati, ۲۰۱۱: ۵۲۵۰) که در پانویس جدول الگویی آن آورده می‌شود. در این مجال اهتمام نویسنده بر عوامل تبادلی است؛ لذا در صدد بررسی عواملی هم‌چون تردیدنماها، یقین‌نماها، نگرش‌نماها، خوداظهارها و دخیل‌سازها می‌باشد. اهمیت این گونه پژوهش‌ها از این جهت است که شناخت ابزارهای مختلف فراگفتمانی هم‌چون یقین‌نماها، خوداظهارها در جهت شناخت و تبیین ارزش‌های یک مطلب و موضوع یا میزان تردید و قطعیت آن می‌باشد.

اجر رسالت در قرآن کریم

در برخی از آیات قرآن کریم خداوند سخن از اجر رسالت می‌گوید. هر چند تأکید نوشتار حاضر بر آیه ۲۳ سوره شوری است؛ اما در تحلیل فراگفتمانی باید همه آیاتی که سخن از اجر رسالت می‌گویند را در یک جا تحلیل و بررسی کرد؛ زیرا برای فهم و دریافت مقصود هر گوینده‌ای، مناسب‌ترین راه این است که سخنان مختلف او در کنار هم و در ارتباط با هم در نظر گرفته‌شود. بدین جهت آیاتی که مرتبط با اجر رسالت انبیا است در زیر ذکر می‌شود و پس از آن به بررسی زبان‌شناسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

اجر رسالت در هفت آیه از آیات قرآن کریم به کار رفته‌است. در برخی آیات انبیاء اجر رسالت خود را از پیروان خود نمی‌خواهند و تنها خداوند را اجردهنده می‌دانند: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (سبا/ ۴۷) و در آیه‌ای دیگر آمده‌است: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/ ۱۸۰) و در برخی آیات به صورت مطلق بیان شده که اجری در برابر رسالت خود از پیروانشان طلب نمی‌کنند: «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (یوسف/ ۱۰۴) یا در آیه دیگر می‌فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (ص/ ۸۶) و می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (انعام/ ۹۰) و می‌فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان / ۵۷).

سخن در یک آیه متفاوت از سایر آیات است. در سوره شوری خداوند از پیامبر گرامی اسلام می‌خواهد که به مردم بگوید اجر رسالت او مودت به قربی است: «ذَلِكِ الَّذِي بَشَّرَ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (شوری / ۲۳). بر طبق نظر برخی مفسران، نوع استثنا در آیه فوق استثنای متصل است؛ لذا «الموده فی القربی» جزء مصادیق «اجر» است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۱۹؛ دوریش، ۱۴۱۵، ج ۹: ۲۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۴۳). از نظر علامه طباطبایی، تلقی کردن استثنا بر استثنای منقطع نوعی تکلف است (طباطبایی: همان). ایشان در تفسیر این آیه به بررسی نظرات متعدد پیرامون مصادیق و معانی «مودت فی القربی» پرداخته و با شواهد و قرائن آن‌ها را نقد می‌کند. هم‌چنین تمامی آیات مرتبط با موضوع اجر رسالت را هماهنگ با یکدیگر می‌داند. ایشان بر این باور است که خداوند متعال محبت اهل بیت را وسیله‌ای جهت مراجعه مردم قرار داد تا اهل بیت علیهم‌السلام مرجع علمی مردم قرار گیرند؛ لذا «مودت فی القربی» همان دعوت دینی و ابقاء آن می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۴۶-۴۷). هم‌چنین آیه الله جوادی آملی بر کاربرد مستثنی تأکید کرده و آن را دلیل بر انحصار محبت اهل بیت می‌داند. ایشان با توجه به عبارت قرآنی «الّا المودّه فی القربی» چنین بیان می‌کند که



إِن أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ (سبأ/ ۴۷)
لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (شوری/ ۲۳)
مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (فرقان/ ۵۷)
لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (انعام/ ۹۰)
إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (یوسف/ ۱۰۴)
إِن أُجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (شعراء/ ۱۸۰)

این که همه آیات ذکر شده در قالب استثنا با ادات نفی است خود می تواند نشان از یک واقعیت حساس و مهم باشد که گوینده بر آن به دلیل حساسیت مخاطب تأکید دارد.

در گیرسازها: نشانه هایی هستند که به طور مستقیم با خواننده ارتباط برقرار می کند. در آیات مرتبط با بحث به طور خاص با ضمائر متصل «کم» این نشانه ها دیده می شود.

مَا أَسْأَلُكُمْ (شعراء/ ۱۸۰)، (ص/ ۸۶)، (فرقان/ ۵۷)
لَا أَسْأَلُكُمْ (انعام/ ۹۰)، (شوری/ ۲۳)
مَا سَأَلْتُكُمْ (سبأ/ ۴۷)

نکته ای که در این نشانه های تبدلی نسبت به آیات مرتبط باید متذکر شد، توجه به عبارات احتیاط آمیز است. عبارات احتیاط آمیز، نشان دهنده تردید نویسنده از صحت و درستی یک مطلب است. با تأمل و دقت در آیات مذکور هیچ نشانه احتیاط آمیز دیده نمی شود. در واقع فقدان عبارات احتیاطی نشان می دهد که خداوند متعال بدون ذکر الفاظ احتیاطی، هیچگونه شک و تردیدی را در این رابطه به خواننده انتقال نمی دهد و این نقطه مقابل با نشانه های تقویت نما است که به تعدد در این آیات به کار رفته است.

تحلیل فراگفتمان تبدلی آیه ۲۳ سوره شوری

خداوند متعال درباره اجر رسالت پیامبر اکرم در آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری چنین می فرماید: «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» [این همان پاداشی است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [بدان] مژده داده است. بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است. این آیه ای است که خداوند متعال در آن مؤمنین را بشارت می دهد و به پیامبر اکرم ﷺ دستور می دهد که به همه اعلام کند هیچ مزدی را به جز «موده فی القربى» در برابر امر رسالت دریافت نمی کند و در پایان این آیه مبارکه خداوند به سنت پاداش و جزای خیر در برابر اعمال نیک افراد اشاره می کند.

با بررسی انجام شده در تفاسیر می توان چنین گفت که نظرات متفاوت از سوی مفسران در ذیل عبارت قرآنی «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» بیان شده است و حتی برخی مفسران از جمله علامه طباطبایی و آیه الله مکارم شیرازی به نقد و بررسی آراء یکدیگر پرداخته اند. لازم به ذکر است که علت گوناگونی و تعدد نظرات در ذیل آیه مد نظر، گزینش مفسران و ترجیح یکی از اسباب نزول در ذیل آیه است. در واقع اسباب نزول متعددی ذیل این آیه ذکر شده است که به صورت موجز گزارش می شود: ۱) یکی از مشرکان در مکه به آزار و اذیت پیامبر ادامه می داد که در آن هنگام آیه قرآن نازل گردید. ۲) مشرکان در جمعی گرد هم آمده بودند و از یکدیگر می پرسیدند که «آیا محمد ﷺ از ما اجری را می خواهد؟» که این آیه نازل شد. ۳) هنگامی که پیامبر وارد بر شهر مدینه شد در حالی بود که در دستش مالی نبود؛ لذا انصار گفتند که این مردی که خدا به شما هدیه کرده است مالی ندارد؛ در نتیجه برایش از اموالتان برای او جمع کنید و مردم چنین کردند و خواستند که به پیامبر بدهند که این آیه نازل شد (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۶۵). اسباب نزول های دیگری نیز برای آیه مذکور گزارش شده است که در این مجال تنها به چند مورد اکتفا گردید.

به هر حال گزینش این سبب نزول ها در تشخیص مکی و مدنی بودن سوره و به ویژه آیه مد نظر و در ترجیح تفسیر ارائه شده توسط مفسر تأثیر گذار است که اینک مجموع نظرات در سه دسته زیر ارائه می شود:

۱- برخی واژه «قربى» را به معنای تقرّب جستن، طاعت، تقوا و عمل صالح گرفته اند که مفهوم عبارت چنین می شود: «من در برابر تبلیغ دین و تعلیم شریعت از شما اجری جز دوستی و محبت نسبت به اعمال صالحی که شما را به درگاه الهی مقرب سازد نمی خواهیم. ۲- گروهی دیگر طرف خطاب آیه مذکور را قریش و نزدیکان پیامبر اکرم ﷺ از قریش تلقی کرده اند. وجه ترجیح این تفسیر برخورد آزار دهنده قریش، تکذیب و دشمنی قریش نسبت به پیامبر است. از این رو خداوند متعال در این آیه به قریش می فهماند که به جهت قربایت و خویشاوندی با پیامبر او را تکذیب و دشمنی نکنند؛ لذا بر طبق تفسیر یاد شده منظور از «قربى»، قربایت و خویشاوندی قریش با پیامبر است و حرف جر «فی» در معنای سببیت برداشت شده است. بدین ترتیب مفهوم چنین خواهد شد که اگر من را به خاطر نبوت و پیامبری دوست نمی دارید به خاطر خویشاوندی و قربایتی که بین من و شما است دوست داشته باشید. ۳- گروهی دیگر بر این باورند که مراد از مودت به قربای خود فرد است؛ بدین معنی است که هر کسی با اقربای خود مودت داشته باشد و پیامبر هیچ مزد و اجری را نمی خواهد و این آیه در مدح و سفارش پیوند خویشاوندی و صلۀ ارحام می باشد (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۳۱). ۴- نظر دیگری که به استناد سخن حضرت باقر و حضرت صادق ﷺ در این رابطه وجود دارد مراد از «قربى» را اهل بیت پیامبر ﷺ می داند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵: ۳۳-۳۴؛ واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۹۶۴؛ جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۵۵۱؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۹: ۲۳-۲۴). بدین ترتیب مفسران با توجه به تفسیری که برای

«قربی» در نظر گرفته‌اند دربارهٔ مصادیق قربی نیز اختلاف نظر دارند که در نهایت می‌توان در دو مورد ذکر کرد: (۱) اهل بیت (ع)؛ (۲) افرادی که صدقه‌دادن به آن‌ها حرام است و آن‌ها بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب هستند (ابنجوزی، ۱۳۲۲، ج ۴: ۶۵).

صاحب تفسیر اطیبالبیان در تأیید مصادیق گروه اول چنین می‌نویسد که مودت ذوی القربی را دخیل در ایمان می‌داند بدین نحو که مودت به ذویالقربی همان تحقق ایمان است. اگر چه برخی مفسران عامه مراد از ذیالقربی را هر فرد خویشاوند در نظر گرفتند، هم‌چون نظر افرادی که آن را به قریش و یا اولاد عبدالمطلب تفسیر کردند؛ اما به قرینهٔ نص اخبار متواتر مراد حقیقی از ذوی القربی اهلیت پیغمبر (ص) ، علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) و در بسیاری از اخبار ائمهٔ اطهار صلوات الله علیهم اجمعین هستند. ایشان بر خلاف نظر آیه الله مکارم، مودت و محبت غیر از مسئلهٔ وصایت، خلافت و امامت می‌داند؛ زیرا مودت جزء ضروریات دین اسلام است اما وصایت و امامت از ضروریات مذهب است و مخالف آن از ایمان خارج است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۸۱-۴۸۲).

شایان توجه است که در این آیه هیچ عامل احتیاط‌آمیزی به کار نرفته‌است. منظور از عبارات احتیاط‌آمیز همان عباراتی است که تردید نویسندگان را به خواننده انتقال می‌دهد؛ در نتیجه قوت و استواری مفهوم این آیه با عواملی هم‌چون تقویت‌نماها و عدم ذکر عبارات احتیاط‌آمیز به خوبی برای خواننده روشن می‌شود.

صاحب تفسیر نمونه، آیه الله مکارم شیرازی، وجه کاربرد عبارت قرآنی «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» و در قالب استثنا را بر این می‌داند که شاید این توهّم برای مردم به وجود می‌آمد که پیامبر چه اجر و پاداشی در برابر رسالت خود از مردم می‌طلبد. از این رو به پیامبر دستور می‌دهد که بگوید هیچ اجر و پاداشی بر این موضوع را درخواست نمی‌کند جز دوست‌داشتن ذوی القربای پیامبر (ص) ایشان در ادامه مراد از «مودت فی القربی» را مسألهٔ ولایت و قبول رهبری ائمهٔ معصومین (ع) تفسیر می‌کند که قبول این ولایت و رهبری همانند قبول نبوت پیامبر (ص) سبب سعادت خود انسان‌ها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۰۶). بنابراین مجموعهٔ آیات مرتبط با اجر رسالت دارای چنین مشخصه‌هایی هستند که نفعی برای شخص پیامبر ندارد و به طور قطع به نفع خود مردم است و این همان عامل هموارکننده به سوی خداوند است (همان: ۴۰۹). خداوند متعال با استفاده از فعل امر مخاطب «قُلْ» در ابتدای این عبارت قرآنی به خوبی این ویژگی‌ها را منعکس می‌کند که این دستوری الهی است و به نفع مردم است (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۳۹۴).

برخی مفسران نیز به عوامل فراگفتمانی توجه ویژه داشته‌اند و آن موارد در کتب تفسیری خود ارائه کرده‌اند؛ چنان‌که علامه طباطبایی نیز بدان توجه داشته‌است. البته اصطلاحات ویژهٔ علم زبان‌شناسی در کتب تفسیری دیده‌ نمی‌شود؛ اما با توجه به تعاریف هر اصطلاح می‌توان به آن‌ها پی‌برد. در ادامه سعی شده‌است که به موارد مذکور و مرتبط با حوزهٔ فراگفتمان در تفسیر میزان علامه طباطبایی پرداخته‌شود.

علامه طباطبایی در ذیل آیهٔ ۲۳ شوری نظرات متعدّد را در تفسیر عبارت «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» بیان می‌کند و سعی بر آن دارد که هریک از نظرات را با دلایل و مستندات دقیق تحلیل و بررسی نماید. ایشان در تبیین نظر افرادی که «المودة فی القربی» را به «دوست‌داشتن به جهت خویشاوندی» تفسیر می‌کنند مفهوم واژهٔ «اجر» را بر رد و نقد این نظر ذکر می‌کند. از منظر ایشان واژهٔ اجر زمانی به کار می‌رود که فرد عامل، عمل خود را به طور کامل تمام کرده‌باشد؛ از این رو در صورتی عبارت «مودة فی القربی» به معنای «دوست‌داشتن به جهت خویشاوندی» است که تمامی قریش ایمان آورده‌باشند و هدایت شده‌باشند؛ درحالی‌که چنین امری محقق نگردید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۴۳).

شاید بتوان کاربرد واژهٔ «اجر» را در اصطلاح زبان‌شناسی کاربردی از نوع «معناهای رمزگونه» دانست. مراد از معناهای رمزگونه، آن عبارات یا واژگانی است که نویسندگان سعی دارد منظور و مقصود خود را واضح‌تر به خوانندگان برساند (Amiryousefi and Barati, ۲۰۱۱: ۵۲۵).

در ادامه سعی بر آن است که نوع بیان کلام قرآن کریم در آیهٔ «ذَلِكِ الَّذِي يَبْتَغِي اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» را از حوزهٔ فراگفتمانی بحث و بررسی کنیم.

هم‌چنین ایشان در بررسی نظریهٔ افرادی که خطاب آیه را انصار می‌دانند چنین می‌نویسد: چگونه آیهٔ مذکور خطاب به انصار است درحالی‌که دوستی و علاقهٔ آشکار و شدید انصار نسبت به پیامبر (ص) نیازی به سفارش در این آیه نداشت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۴۳-۴۴). در علم زبان‌شناسی این نحوهٔ سفارش و تأکید خداوند متعال نسبت بدین مسأله با عنوان «تقویت‌نماها» خوانده می‌شود.

ضمیمه اشاره «ذَلِكِ» که در ابتدای آیه مد نظر به کار رفته‌است می‌تواند در جهت تعظیم و تقویت مقصود خداوند باشد. خداوند متعال چنین می‌فرماید که این فضل بزرگی است که خداوند به بندگانش بشارت می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۲-۴۳). هم‌چنین اضافه ضمیر «ه» به «عباد» خود بیانگر تکریم مؤمنان و بندگان صالح می‌باشد که این نکات تکریمی همان هدف گفتن خداوند متعال است که در فراز بعد آن خبر از اجر رسالت پیامبر می‌دهد.

نتیجه گیری

نتایج بررسی تعدّد نشانه‌های فراگفتمان تبادل حاکمی از آن است که خداوند متعال در خصوص تبیین و شفاف‌سازی اجر رسالت به طور قطع و با تأکید بسیار و به‌طور مستقیم با خواننده ارتباط برقرار می‌کند و نظر قطعی و مسلم خود را دربارهٔ این مسأله بدون احتیاط بیان می‌کند؛ بنابراین فراگفتمان تبادل در آیات اجر رسالت به خوبی نشان می‌دهد که قطعاً انبیا از مردم اجری را نمی‌خواهند؛ اما در آیهٔ ۲۳ سورهٔ شوری پیامبر مودت فی القربی را به عنوان اجر رسالت اظهار می‌نمایند که این موضوع با تقویت و قطعیت بیان می‌شود.

طبق آیهٔ مذکور خداوند متعال به پیامبر دستور می‌دهد که بگوید: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ بنابراین پیامبر با زبان خود و در جایگاه متکلم اعلام می‌کند که هیچ مزد و اجری را درخواست نمی‌کند. از جمله عوامل فراگفتمانی که در این فراز دیده می‌شود نقش پیامبر به عنوان متکلم است که در اصطلاح زبان‌شناسی کاربردی بدان «خوداظهار» گویند. هم‌چنین ضمیر منصوبی به کار رفته در فعل

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۱. آلوسی، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی. ج ۱۳. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲). زاد المسیر فی علم التفسیر. ج ۴. چاپ اول. لبنان: دارالکتب العربی.
۳. ابن عطیه، عبدالحق بن طالب. (۱۴۲۲). المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. ج ۵. چاپ اول. لبنان: دارالکتب العلمیه.
۴. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن. (۱۴۳۰). درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم. ج ۲. چاپ اول. اردن: دارالفکر.
۵. درویش، محی الدین. (۱۴۱۵). اعراب القرآن و بیانه. ج ۹. چاپ چهارم. سوریه: الإرشاد.
۶. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. ج ۴. بیروت: دارالکتب العربی. ۱۴۰۷ق.
۷. سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۹۵). تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن. چاپ هفتم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه..
۸. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. ج ۱۸. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی علوم القرآن. ج ۹. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲). جوامع الجامع. ج ۴. چاپ اول. قم: حوزه علمیه قم.
۱۱. طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ج ۱۱. تهران: انتشارات اسلام.
۱۲. عبدی، رضا و شهرزاد محمدی. (۱۳۹۲). «تأثیر وجود شاخص های فراگفتمانی بر درک مطلب خواندن انگلیسی دانش آموزان دبیرستانی». مجله روانشناسی مدرسه. دوره ۲. شماره ۲: صص ۱۰۶-۹۳.
۱۳. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). شیوه های بیان قرآن کریم. چاپ اول. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. ج ۸. چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۵. معروف، یحیی. (۱۳۸۷). فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی. چاپ هفتم. تهران: سمت.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. ج ۲۰. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الإسلامی.
۱۸. میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عده الأبرار. ج ۹. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
۱۹. نقی زاده، سید علاء. (۱۳۹۱). کارگاه ترجمه عربی به فارسی همراه با نکات نگارشی و ویرایشی. چاپ اول. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۵). الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. ج ۲. چاپ اول. لبنان: دارالقلم.
۲۱. <http://javadi.esra.ir>

مقالات انگلیسی

۱. Hyland,ken. (۲۰۰۵). Stance and engagement: A model of interaction in academic discourse. Discourse studies. Vol۷(۲): ۱۹۲-۱۷۳
۲. Mohammad Amiryousefi and Hossein Bara. (۲۰۱۱). Metadiscourse exploring interaction in writing, ken Hyland, continuum, Elixir Literature ۴۰, London: ۵۲۵۰-۵۲۴۵

مقاله

اسباب و نشانه‌های عشق راستین در آیات و روایات

زهرا کلهر
دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شیراز
zkalhor93@gmail.com



چکیده

اهل ذوق، عشق را لذت آیم و آلم لذیذ جان انسان دانسته‌اند؛ مغناطیسی که ارواح لطیف را به سوی محاسن شریف می‌کشاند. این حال روحانی انسان را به حرکت درمی‌آورد و به او هدف می‌دهد و رضایت خاطر او را تأمین می‌کند؛ از این رو بررسی اسباب کسب و شناسایی نشانه‌های آن اهمیت ویژه دارد. پژوهش پیش رو که با روش توصیفی-تحلیلی به اسباب و نشانه‌های عشق در قرآن و سنت می‌پردازد در نهایت به این نتیجه می‌رسد که عشق خارج از کسب و اختیار آدمی است؛ اما با الهام و فیض الهی از طریق زیبایی، شناخت کمالات درونی، نیکوکاری، داشتن تجانس و مناسبت روحی با معشوق می‌تواند جزء احوالات انسانی شود. حالی که از طریق گواهی دل، یاد معشوق، اطاعت از فرمان او و آمادگی برای رویارویی با بلا شناخته می‌شود.

واژگان کلیدی: اسباب عشق، عشق در آیات، عشق در روایات، نشانه‌های عشق.

۱. مقدمه

عشق رکن رکین عرفان، خورشید منظومه قرآن و تنها پاسخ عاقلانه به فلسفه وجودی انسان است. عشق در آیات و روایات اسلامی معادل ایمان، در ادبیات عرفانی وصف ایزد منان و از منظر حکما علت فاعلی و غایی جهان است. پیشینه بحث عشق به یونان باستان برمی‌گردد. در آموزه‌های افلاطون حکیم عشق، ظریف طبع است و نرم رفتار؛ دادگستر است و با اعتدال، پرهیزگار و شاعر است، با خرد و باهنر است که حرمتش کینه از دل مردمان می‌برد و برکتش آسمان را به زمین پیوند می‌زند؛ اما چون مادری از جنس تهیدستان دارد و از لطافت بهره‌ای چندان ندارد نیازمند خوبان و در طلب زیارویان است. در آیات و روایات اسلامی، عشق - خاصه به انسان‌های کامل از جمله اهل بیت (ع) - از واجبات و به مثابه اجرت رسالت و مطمئن‌ترین راه سعادت است؛ از این رو در این مختصر به شناخت اسباب کسب و اختیار آن پرداخته می‌شود.

۲. بررسی تعریف و استعمال واژه عشق در

قرآن مجید

از حضرت عشق چیزی جز عشق صادر نمی‌شود و کلام خداوندگار عشق جز عشق نیست. واژه عشق بی‌آن که روی بر نامحرمان نشان دهد در جوهر آیات الهی نهفته است. چشم جان می‌باید تا لطیف‌ترین عنصر هستی را دید و اگر بخواهی موسی صفت آن را در طور کلام وحی ببینی همواره ندای «لن ترانی» شنوی (الأعراف/۱۷۴).

برخی گفته‌اند: «شاید به این دلیل واژه عشق در کلام الهی دیده نمی‌شود که در زمان نزول وحی، این واژه به وسیله شعرا تنها در خدمت فسق و فجور قرار گرفته بود» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۵۴). محققان گفته‌اند: «در زبان عربی کلماتی از قبیل «صبابه»، «وله»، «لوعه»،

به همراه عظمت باطنی‌شان سبب می‌شود که در پیشروی انظار تقاب بر چهره زیباشان بزنند بلکه کم‌تر مفتون و دیوانه برجای بگذارند. به هر تقدیر موهبت رحمانی می‌تواند به شکل زیبایی ظاهری باشد که از اسباب عشق‌آفرینی است.

۳.۲. تجانس روحی

ای رفته به عشق داستان من و تو
در مهر و وفا یکی است جان من و تو

من بنده آن یگانه کز عهد ازل
زو خاست یگانگی میان من و تو
(جامی، بی‌تا: ۱۲۲).

عشق دو جانبه زمانی ظهور می‌کند که سبب آن تجانس روحی و مشابهت عاشق و معشوق در اوصاف اخلاقی، افکار و رفتار و ملکات باشد؛ چنانچه سیدالعاشقین امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الْفُؤُوسُ أَشْكَالٌ، فَمَا تَشَاكَلْ مِنْهَا اتَّفَقَ، وَ النَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ آمِيلٌ» (الکراچکی الطرابلسی، بیتا، ج ۲: ۳۲)؛ یعنی جان‌ها را شکل‌هایی است؛ پس آنان که هم شکل یکدیگرند، با هم موافقت خواهند کرد و مردم به هم شکلان خود گرایش دارند و در حدیث دیگر می‌فرماید: «الْمَوَدَّةُ تَعَاطَفُ الْقُلُوبِ فِي اتِّسَالِ الْأَرْوَاحِ» (آمدی، ۱۴۰۱ق: ۱۱۵)؛ دوستی، میل دل‌ها به یکدیگر است به سبب الفت یافتن جان‌ها. در امالی شیخ طوسی حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده‌است که در این باب قابل تأمل است: سُدِّیر از پدرش و ایشان از آن حضرت نقل می‌کند که «هرگاه کسی را می‌بینم که پیش از آن روز نه من او را دیده‌ام و نه او مرا. با این حال به شدت دوستش می‌دارم و چون با او سخن می‌گویم، می‌بینم که نظر او درباره من هم چون نظر من درباره اوست و به من می‌گوید که نظر من درباره او هم چون نظر خودش درباره من است. [همان احساس محبت بی‌سابقه را به من دارد]. حضرت فرمود: «ای سُدِّیر! راست می‌گویی. الفت گرفتن دل‌های پاکان، هرگاه یکدیگر را ببینند و اظهار دوستی زبانی نکنند به سرعت در آمیختن قطره‌های باران با آب رودهاست. دیر پیوندی دل‌های بدکاران، هرگاه یکدیگر را ببینند، اگرچه به زبان اظهار دوستی کنند هم چون دوری چارپایان در مهربانی ورزیدن به یکدیگر است اگرچه مدت‌های بسیار بر سر یک آخور باشند» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۱۱).

۳.۳. احسان

حبّ نفس سبب می‌شود تا آدمی هر آن کس را که به او نیکی می‌کند دوست بدارد؛ اما عده‌ای معتقدند که حبّ حاصل از این سبب انواع عشق عرضی است (ابن دباغ، ۱۳۷۹: ۳۰ تا ۳۱)؛ زیرا که عاشق، معشوق را برای خویش می‌خواهد نه برای ذات معشوق؛ بنابراین گفته‌اند:

اگر از دوست چشمت بر احسان اوست
تو در بند خویشی نه در بند دوست
(سعدی، ۱۳۷۶: ۱۵۷).

اما برخی این سبب را در کنار اسباب دیگر، از عناصر اصلی محرک عشق می‌دانند و برای اثبات آن دلیل اقامه کرده‌اند (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲: ۳۲۶). در قرآن مجید آیاتی به این امر تصریح دارد که احسان از عناصر اصلی محرک عشق است: «وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (الفصلت/۳۴)؛

«شغف»، «تبل»، «خلت»، «تیم»، «هوی» و ... به معنای عشق و حالات شبیه به آن به کار می‌رود» (ابن قیم، ۱۹۸۳: ۱۷-۲۵). نیز آورده‌اند: «البتّه برای ارباب معرفت پوشیده نیست که آن چه از کلمه حبّ و مشتقات آن مستفاد می‌شود همان چیزی است که واژه عشق بر آن دلالت می‌نماید» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۰).

دیلمی در «عطف الالف» در ارتباط با ریشه لغوی حبّ می‌نویسد: «الْحُبُّ اسْمٌ لَصَفَاءِ الْمَوَدَّةِ لِأَنَّ الْعَرَبَ يَقُولُ لَصَفَاءِ بِيَاضِ الْأَسْنَانِ وَ نَضَارَتِهَا حَبٌّ» (دیلمی، ۱۹۶۲: ۱۶) یعنی: «حبّ» اسمی برای خلوص در دوستی است؛ زیرا عرب به پاک‌سپیدی دندان و درخشش آن حبّ می‌گوید. محمّد غزالی در «کیمیای سعادت» تعریفی از ماهیت عشق می‌کند و می‌گوید: «بدان که معنی دوستی (حبّ) میل طبع است به چیزی که خوش بود اگر آن میل قوی بود آن را عشق گویند» (غزالی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۵۷۲-).

برخی دیگر از اهل حکمت و حال تعریف کارکردگرایانه‌ای از عشق کرده‌اند و گفته‌اند: «عشق الم لذیذ و لذت الیم جان انسان است» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۶) و نیز گفته‌اند: «العشقُ مَغْنَطِيسٌ يَجْذِبُ الْأَرْوَاحَ اللَّطِيفَةَ إِلَى الْمَخَاسِنِ الشَّرِيفَةِ» (همان)؛ یعنی عشق، مغناطیس روح‌های لطیف و حسّاس است به جانب حسن و کمال. پایان بخش این بحث تعریف عشق از زبان عاشق اسطوره‌ای مجنون (قیس عامری) است: «مجنون را پرسیدند عشق چیست؟ گفت: «سوختن بی‌تکلف و ساختن بی‌تصرف» (شجاع، ۱۳۷۴: ۱۵۶).

۳. اسباب عشق

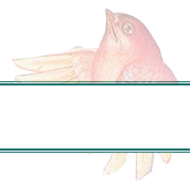
۳.۱. موهبت رحمانی: زیبایی

ای حسن تو کرده جلوه‌ها در پرده
صد عاشق و معشوق پدید آورده

بر بوی تو لیلی دل مجنون برده
و ز شوق تو وامق غم عنرا خورده

(جامی، بی‌تا: ۱۱۰).

متألهان مسلمان منشأ عشق را موهبت رحمانی می‌دانند نه کسب و اختیار انسانی (غزالی، ۱۳۵۸: ۱۷۸ تا ۱۸۸). نزد آنان این خداوندگار عشق است که هر که را بخواهد خلعت عشق می‌پوشاند و به تاج «کرّما» (الاسراء/۷۰) مفتخرشان می‌نماید. قرآن که خورشید کیهانشان عاشقان است به این مهم اشاره می‌کند آن جا که می‌فرماید: «وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (الروم/۲۱)؛ میان شما دوستی و مهربانی نهاد. در جایی دیگر ربّ العالمین یادآور زمانی می‌شود که به فرستاده خویش -کلیم الله- فرموده است: «وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَ لِيُضْنِعَ عَلَيَّ عَيْنِي» (طه/۲۹)؛ یعنی محبتی از خود بر تو افکندم تا زیر نظر من پرورش یابی. سیوطی در تفسیر این آیه روایتی از ابن عباس (ابن صحابی که علم تفسیر را نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرا گرفته‌است) در تفسیر این آیه نقل می‌کند: «كَانَ كُلُّ مَنْ رَأَاهُ أَلْقَيْتُ عَلَيْهِ مِنْهُ مَحَبَّةً» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۵: ۴۹۹)؛ یعنی هر کسی موسی علیه السلام را می‌دید محبتش را به دل می‌گرفت. سیوطی در همانجا می‌گوید: موسی نبی در کنار یوسف نبی از زیباروترین پیامبران بوده‌اند. پیامبرانی که شکوه ظاهریشان



واسطی، ۱۳۷۶: ۲۸۵): از دل‌ها درباره دوستی‌ها بپرسید که گواهانی رشوه ناپذیرند. نیز صالح بن حکم نقل می‌کند که: «سَمِعْتُ رَجُلًا يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ: «الرَّجُلُ يَقُولُ: إِنِّي أُوَدُّكَ. فَكَيْفَ أَعْلَمُ أَنَّهُ يُوَدُّنِي؟ ... قَالَ: إِمْتِحِن قَلْبَكَ! فَإِنْ كُنْتَ تَوَدُّهُ فَإِنَّهُ يُوَدُّكَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴: ۷۱۸)؛ یعنی شنیدم مردی از امام صادق عليه السلام می‌پرسید: «کسی می‌گوید: دوستت دارم. من از کجا بدانم که [واقعاً] دوستم دارد؟ امام پاسخ داد: دلت را بیازمای! اگر دوستش داشتی، او نیز تو را دوست دارد».

کعبه و بتخانه حجابند و بس
روی دلم سوی رخ یار کو؟

قبله به دل گشت در این ره مرا
خیز بگو قبله کفار کو؟

(همدانی، بی تا: ۳).

۴. ۲. یاد معشوق

می‌گویند: «عشق وقتی محقق می‌شود که جمال معشوق و یا نام او اکثر اوقات عاشق را فرا گیرد و هر وقت بی‌فکر و یاد او باشد خود را در تاریکی و ظلمات دچار حملات اوهام و شیاطین ببیند و از سعادت و خوشبختی بالمره محروم داند» (امین، ۱۳۶۹: ۱۹۸). از این رو گفته‌اند: «مِنَ الْمَحَالِ أَنْ تُجِبَهُ ثُمَّ لَا تَذْكُرُهُ» (البغدادی البزاز، ۱۴۱۹: ۲۷۷)؛ محال است کسی را دوست داشته باشی آنگاه یادش نکنی. بنابراین یاد معشوق آتش عشق را فروزان‌تر و جان عاشق را سوخته‌تر می‌کند. بدین جهت رحمت عالمیان و حبیب پروردگار آدمیان فرموده‌است: «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا أَكْثَرَ ذَكَرَهُ» (هندی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۴۲۵ و ۱۸۲۹)؛ هر کس چیزی را دوست بدارد از آن بسیار یاد می‌کند. سرور عارفان و وصی خاتم پیامبران امیرمؤمنان نیز می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهَجَ بِذِكْرِهِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳۰۰)؛ هر کس چیزی را دوست بدارد شیفته یادش می‌شود. این همان نشانه‌ای است که در عرفان اسلامی نیز بدان اشاره شده‌است: «وَمِنْ عَلَامَةِ الْمَحَبَّةِ كَثْرَةُ ذِكْرِ الْحَبِيبِ» (مکی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۸۴)؛ از علامت محبت بسیار یادکردن محبوب است.

۴. ۳. اطاعت از معشوق

می‌گویند: «آغاز عشق طاعت است» (آبراهاموف، ۱۳۷۹: ۴۲)؛ زیرا با غلبه سلطان عشق در کشور وجود جایی برای اسپران اراده باقی نمی‌ماند. از شوکت آن پادشاه، چشم عاشق بر حکم و گوش او بر فرمان معشوق است؛ از این روست که گفته‌اند:

تَعْصِي إِلَهٍ وَأَنْتَ تَظْهَرُ حَبَّةً
هَذَا مَحَالٌ فِي الْقِيَاسِ بَدِيعِ

لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ
إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ

(سراج طوسی، ۱۴۸۰: ۲۴۷).

در شأن نزول این آیه که می‌فرماید «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (آل عمران/ ۳۱) آمده‌است: «در عهد رسول خدا جماعتی دعوی کردند که إنا نحبُّ ربَّنَا؛ (ما خدای را دوست داریم). حق تعالی گفت: دوستی را علامتی باشد و آن، آن بود که از فرمان دوست به درنیابید و دوست او را دوست دارید. این محمّد دوست من است. اگر شما در این دعوی راست گویند، متابعت او کنید تا من نیز شما را دوست بدارم و إلا

یعنی خوبی و بدی برابر نیستند. [بدی را] به آنچه بهتر است پاسخ ده! پس آن‌گاه آن که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل است.

در برخی از احادیث عشق حاصل از احسان عشقی فطری است؛ چنانچه در حدیثی از رسول خدا صلى الله عليه وآله آمده‌است: «جَبَلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَبُغِضَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۷)؛ «دل‌ها بر دوستی آن که به آن‌ها نیکی کند و دشمنی آن که بداندانها بدی کند، سرشته شده‌است» (ری شهری، ۱۳۷۹: ۹۲). نکته قابل توجه آن است که سببیت احسان، به صراحت در کلام امام عارفان امیرمؤمنان علی عليه السلام به رشته کشیده شده‌است. در روایتی از ایشان آمده‌است: «سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْإِحْسَانُ» (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۵۹) و در حدیثی دیگر احسان را نوعی عشق می‌داند و می‌فرماید: نیکوکاری محبت است (همان). البته باید دانست همان‌طور که احسان عشق می‌آفریند، عشق نیز احسان به دنبال می‌آورد. این عاشق صادق است که از هیچ احسانی به جانب معشوق دریغ نمی‌کند و از بخشیدن عزیزترین دارایی‌اش یعنی جان خویش ابایی ندارد «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ لِتُبَغِّضَ إِلَيْهِ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (البقره/ ۲۰۷)؛ «از مردمان کسی است که جان خویش را برای کسب رضای خدا می‌فروشد».

۴. ۳. معرفت

بی معرفت مباح که در من یزید عشق
اهل نظر معامله با آشنا کنند

(حافظ، ۱۳۷۱: ۱۷۴).

دیدن روی معشوق یا شنیدن اوصاف سر زلف نگار واله و شیدا کننده‌است. معرفتی این‌چنینی عشق می‌آفریند و با خود نوری دارد که می‌توان با آن به طور وصال رسید:

تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

(همان: ۲۶۱).

و چون با این معرفت، مشتاق کوی یار شدی آتش عشق در وجودت
زبانه می‌کشد تا هرچه غیر معشوق است خاکستر شود. آری! سلاله پاک رسول‌الله امام حسن مجتبی عليه السلام نیز بدین نکته اشاره کرده‌است: «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ» (ورام، ۱۴۱۰، ج ۵: ۵۲)؛ هر که خدا را بشناسد او را دوست خواهدداشت.



۴. نشانه‌های عشق راستین

۴. ۱. گواهی دل

قلب حقیقی ملکوتی است که آدمی در آن خلاصه می‌شود (ر.ک: کاشفی، ۱۳۸۴: ۱۷۸). عرشى است که حضرت رحمان بر آن استیلا یافته‌است، از مرکز آن تدبیر امور می‌کند و چون «صورت دل از عین عشق پدید آمده» (کاشانی، ۱۳۸۲: ۲۷) و اکسیرش در نهایت، روح و جان عاشق و معشوق را یکی می‌کند از این رو بینه‌ای است که از حقانیت رسول عشق خبر می‌دهد و این همان مهمی است که به برکت کلام معصوم بر ما مکشوف می‌شود. از امام عارفان امیرمؤمنان روایت شده‌است که ایشان فرمودند: «سَلُوا الْقُلُوبَ عَنِ الْمَوَدَّاتِ؛ فَإِنَّهَا شَوَاهِدٌ لَا تَقْبَلُ الرُّشْدَ» (لیثی

دعوی باشد بی‌بیت و دعوی بی‌بیت باطل است» (رازی، ۱۴۰۸: ۲۷۴).

عاشقان را بر سر خود حکم نیست
هرچه فرمان تو باشد آن کنند

(حافظ، ۱۳۷۱: ۱۷۶).

۴. ۴. رویارویی با بلا

اول قدم از عشق سر انداختن است
جان باختن است و با بلا ساختن است

اول این است و آخرش دانی چیست؟
خود را ز خودی خود بپرداختن است
(عراقی، ۱۳۷۰: ۳۶۳).

«حقیقت عشق بلاست» (غزالی، ۱۳۵۹: ۳۲). هر جا قدم گذارد آسایش و راحتی از آن دیوار رخت برمی‌بندد. آری! «شاهان چون داخل قریه‌ای می‌شوند آن را تباه می‌کنند» (النمل/۳۴). آورده‌اند که: «مردی نزدیک پیغمبر آمد و گفت: «إِنِّي أُحِبُّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» رسول او را جواب داد که: «انظر ما تقول». چون دعویش بزرگ بود بجنابانش و گفت: «بنگر که چه می‌گویی» تا مگر سستی در دعوی نیارد تا در بلا نیفتد. از بهر آن که بسیار کس به غفلت چیزی گوید که آن گفتار بر او بلا گردد. ... و سید می‌خواست که او را بیازماید تا دعوی از حقیقت است یا غفلت. از این معنی گفت: «انظر ما تقول» او قدم بر دعوی بفشرد و گفت: «است می‌گویم و تو را دوست دارم» او گفت: «إِعِدْ لِلْبَلَاءِ تَجَافًا!» «بسا از بهر بلا جامه‌ای!» آن-که دعوی محبت رسول کند بلا را مستعد و آماده باید بود. آن که دعوی محبت حق کند بی‌بلا چگونه باشد؟» (مستملی، ۱۳۶۳: ۱۹۱).

در حدیثی از حضرت رضا علیه السلام منقول است که ایشان می‌فرماید: «الْحُبُّ دَاعِيَ الْمَكَارِهِ» (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۳۳؛ حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۹)؛ یعنی محبت دعوت‌گر ناخوشی‌هاست. و چون عشق چنین است پس عاشق صادق هرگز بی‌بلا نمی‌باشد. افزون بر این که در روایات اسلامی هم‌نشینی با بلا از صفات عاشقی است همین ویژگی از نشانه‌های معشوقی نیز به شمار می‌آید چنان‌چه در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که: «قَالَ السَّجَّانُ لِيُوسُفَ: إِنِّي لِأُحِبُّكَ. فَقَالَ يُوْسُفُ: مَا أَصَابَنِي بِلَاءٌ إِلَّا مِنَ الْحُبِّ إِنَّ كَانَتْ عَمَّتِي أَحَبَّتَنِي فَسَرَقْتَنِي وَإِنْ كَانَ أَبِي أَحَبَّتَنِي فَحَسَدُونِي إِخْوَتِي وَإِنْ كَانَتْ إِمْرَأَةُ الْعَزِيزِ أَحَبَّتَنِي فَحَبَسْتَنِي» (عیاشی، ۱۴۲۰: ۲؛ ج۳: ۳۴۲). زندانبان به یوسف علیه السلام گفت: تو را دوست دارم. یوسف علیه السلام پاسخ داد: هر بلایی که به من رسیده از دوست داشتن است. عم‌هام دوستم داشت پس من را زدید.

پدرم مرا دوستم داشت؛ عاقبت برادرانم به من حسادت کردند و زن عزیز، مرا دوست داشت در نهایت به زندانم افکند.

این که آتش بلا دامن معشوق را نیز می‌سوزاند نکته‌ای است که در احادیث به‌ویژه در باب عشق الهی بارها از آن سخن به میان آمده است که در این‌جا به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم: پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا إِتْلَاهُ، فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ الْحُبَّ الْبَالِغَ إِتْنَاهُ، قَالُوا وَ مَا إِتْنَاهُ؟ قَالَ: أَلَّا يَتْرُكَ لَهُ مَالًا وَلَا وَلَدًا» (مکی، ۱۴۱۷: ۲؛ ج۸۷: ۸۷)؛ یعنی «هرگاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، مبتلاش می‌کند و چون او را بسیار دوست بدارد، او را برمی‌گزیند. پرسیدند: چگونه برمی‌گزیند؟ فرمود: نه مالی برایش می‌گذارد، نه فرزندی» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۴۶۵). و باز از آن جانب نقل است که فرمود: «يَقُولُ الْبَلَاءُ كُلَّ يَوْمٍ: إِلَيَّ أَيْنَ اتَّوَجَّهَ؟ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِلَيَّ أَحِبَّابِي وَأُولَى طَاعَتِي...» (هندی، ۱۴۱۳: ۳؛ ج۳۴۱ و ۳۴۱: ۶۸۵۰)؛ یعنی هر روز بلا می‌گوید: به کدام سو روم؟ آن‌گاه خداوند تعال می‌فرماید: به سوی دوستانم و فرمانبرانم.

بی‌خویش و تبار و بی‌قرینم کردی
با فاقه و فقر هم‌نشینم کردی

این مرتبه مقربان در توست
یا رب به چه خدمت این چنینم کردی
(باخزری، بی‌تا: ۱۳۲).

نتیجه‌گیری

عشق محبت شدیدی است که آرام و قرار آدمی را می‌گیرد و او را به‌طور کلی از خویش فانی می‌کند. متعلق این حالت معنوی گاه فردی از نوع انسان و گاه خداوند سبحان است. عشق از احوالات است و احوالات به کسب و اختیار آدمی نیست و امری وهبی است؛ اما با این همه، مقدمات آن می‌تواند اختیاری باشد. عشق در آیات و روایات به سبب معرفت به زیبایی ظاهری و کمالات باطنی معشوق، تجانس و مشابهت روحی و معنوی با او و در نهایت در اثر احسان و نیکوکاری محبوب به وجود می‌آید. سبب اخیر نزد متألهان اسلامی محل بحث است که آیا از عناصر اصلی محرک عشق است یا خیر؛ اما در آیات و روایات بسیار به آن توجه شده است. نهایت آنکه می‌توان عشق راستین را از عشق‌نماها اینگونه باز شناخت: عاشق در عشق راستین همواره به یاد معشوق است و دائم گوش به فرمان او و در مقام خدمت و طاعت اوست. عاشقی که از مصیبت و بلا در راه پر نشیب و فراز عشق نمی‌هراسد، در نهایت امر دل معشوق را دچار عشق راستین خود می‌کند.

منابع

- قرآن مجید. (۱۳۸۹). ترجمه آیت الله مشکینی. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
۱. ابن عربی. (بی تا). الفتوحات المکیه. بیروت: دارصادر.
 ۲. ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیه السلام (لابن شهر آشوب). قم: علامه.
 ۳. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر. (۱۹۸۳). روضه المحبتین و نزهة المشتاقین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۴. ابن ابی فراس، ورام. (۱۴۱۰). تنبیه الخواطر و نزهة التواظر (مجموعه ورام). قم: مکتبه الفقیه.
 ۵. آبراهاموف، بنیامین. (۱۳۷۹). عشق در عرفان اسلامی. ترجمه حمیرا ارسنجانی. قم: نشر نگاه معاصر.
 ۶. ابن دباغ. (۱۳۷۹). مشارق انوارالقلوب و مفاتیح اسرارالغیوب (عشق اصطربلاب اسرار خداست). به تحقیق پرفسور ه. ریتزر. ترجمه دکتر قاسم انصاری. تهران: انتشارات طهوری.
 ۷. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۰). دفتر عقل و آیت عشق. ج ۱. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۸. الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۶۳). حکمت الهی عام و خاص. ج ۳. تهران: انتشارات اسلامی.
 ۹. امین، نصرت. (۱۳۶۹). سیر و سلوک. اصفهان: نشر بهار.
 ۱۰. باخرزی، سیف‌الدین. (بی تا). اوارد الاحباب؛ دو رساله عرفانی در عشق. به کوشش ایرج افشار. تهران: کتابخانه طهوری.
 ۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. تصحیح سید مهدی رجائی. ج ۲. قم: دارالکتاب اسلامی.
 ۱۲. جامی، عبدالرحمن. (بی تا). لویح و لوامع: سه رساله در تصوف. تهران: کتابخانه منوچهری.
 ۱۳. حافظ. (۱۳۷۱). غزل‌های حافظ (بر اساس چهل و سه نسخه خطی سده نهم). تصحیح سلیم نیساری. تهران: الهدی.
 ۱۴. حلّی، علی بن یوسف. (۱۴۰۸). العدد القویه. قم: نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
 ۱۵. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸). نزهة الناظر و تنبیه الخاطر. قم: مدرسه امام مهدی.
 ۱۶. حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۱۷. دیلمی، ابوالحسن. (۱۹۶۳). ألف المألوف علی اللام المعطوف. قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للأثار الشرقیه.
 ۱۸. رازی، ابوالفتح. (۱۴۰۸). روض الجنان و روح البیان. آستان قدس رضوی: نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
 ۱۹. السلمی، عبدالرحمن. (۱۴۱۹). الطبقات الصوفیه. تعلیق مصطفی عبدالقادر عطاء. بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۲۰. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. تصحیح شیخ نجدت نجیب. بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
 ۲۱. سعدی. (۱۳۷۶). بوستان. تصحیح محمدعلی فروغی. ج ۴. تهران: انتشارات جواهری.

۲۲. شجاع. (۱۳۷۴). انیس الناس. به کوشش ایرج افشار. چ ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. طوسی، خواجه نصیر. (۱۴۱۴). الأملی للطوسی. قم: انتشارات دارالثقافه.
۲۴. طوسی، ابونصر سراج. (۱۳۸۰). اللّمع فی التّصوف. تصحیح نیلکسون. ترجمه قدرت‌الله خیاطیان و محمود خورسندی. تهران: نشر فیض.
۲۵. العیاشی، ابی نصر. (۱۴۲۰). التفسیر. قم: مؤسسه البعثه.
۲۶. عراقی، فخرالدین. (۱۳۷۰). کلیّات دیوان. مقدمه سعید نفیسی. چ ۶. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۲۷. غزالی طوسی، ابوحامد. (۱۳۶۱). کیمیای سعادت. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. غزالی، احمد. (۱۳۵۹). سوانح العشاق. به کوشش ایرج افشار. تهران: نشر کتابخانه منوچهری.
۲۹. کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۸۲). مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. تصحیح عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران: انتشارات زوّار.
۳۰. کاشفی، محمدرضا. (۱۳۸۴). عرفان و تصوّف. قم: نشر معارف.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹). الکافی. قم: دارالحدیث.
۳۲. کراجکی، محمد. (۱۴۱۰). کنز القوائد. تحقیق شیخ عبدالله نعمت. قم: دارالذخائر.
۳۳. لاهیجی، محمد. (۱۳۷۴). مفاتیح الإعجاز. مقدمه کیوان سمیعی. تهران: انتشارات سمیعی.
۳۴. لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. تصحیح حسین حسینی بیرجندی. قم: دارالحدیث.
۳۵. مکی، ابوطالب. (۱۴۱۷). قوت القلوب فی معامله المحبوب. تصحیح باسل عیون الشود. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۶. مستملی بخاری، اسماعیل. (۱۳۶۳). شرح التّعرف لمذهب التّصوف. تصحیح محمد روشن. تهران: انتشارات اساطیر.
۳۷. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۹). دوستی در قرآن و حدیث. ترجمه سیدحسین اسلامی. قم: انتشارات دارالحدیث.
۳۸. همدانی، عین القضاة. (بی‌تا). رساله لوابیح. تصحیح دکتر رحیم فرمنش. چ ۲. تهران: کتابخانه منوچهری.
۳۹. هندی، علی المتقی. (۱۴۱۳). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. تصحیح شیخ صفوه السقا. بیروت: نشر مؤسسه الرساله.

مقاله

جستاری در معنای حبّ و آثار محبّت به اهل بیت علیهم السلام

از منظر روایات

آمنه امیدی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز

omidi7092@yahoo.com

چکیده

محبّت از مفاهیمی است که در روایات ما با عقل، ایمان و دین در ارتباط است و دارای لایه‌های معنایی متعدّدی است. به عبارتی محبّت انسان به امور متعدّدی تعلق می‌گیرد که از جمله مصادیق آن، محبّت به اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی به بررسی مفهوم محبّت و آثار محبّت به اهل بیت از منظر روایات می‌پردازد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که حبّ دارای دو جهت الهی و شیطانی است و حبّی که در جهت الهی باشد منشأ سعادت است و این نوع از حبّ که عالی‌ترین آن حبّ بین خدا و انسان است لایه‌هایی چون حبّ به اهل بیت را هم شامل می‌شود و حبّ به اهل بیت دارای آثار و پیامدهای متعدّدی است که از مهم‌ترین آن معرفت الهی است.

واژگان کلیدی: اهل بیت، حبّ، روایات، محبّت، معرفت.





مقدمه

ارزش و جایگاه محبت را در جایی می‌توان یافت که در تعریف دین از آن بهره گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که دین را همان محبت نامیده‌اند و این تعریف را از برگزیده‌ترین تعاریف برای واژه محبت می‌توان قلمداد کرد. در فرهنگ اسلامی دین را این‌گونه بیان کرده‌اند که دین جز محبت نیست. «قال ابو جعفر علیه السلام: و الله لو احبنا حجر حشره الله معنا و هل الدین الا الحب ان الله يقول قل ان کنتم یحبون الله فاتبعونی یحبکم الله و قال یحبون من هاجر الیهم و هل الدین الا الحب» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۹۵). در روایتی دیگر ایمان همان حب دانسته شده است: «سَأَلْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ عَنِ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَمِنَ الْإِيمَانِ هُوَ فَقَالَ وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۲۶).

بنابراین حب در روایات شیعه ایمان و دین دانسته شده است؛ اما یک نکته قابل تأمل است: این حب زمانی دین و ایمان است که جهت آن صحیح باشد در روایات شیعه جهت بسیار مهم است. حب اگر در جهت اصلی خود که همان جهت الهی است قرار گیرد انسان را به سعادت واقعی می‌رساند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟ قَالُوا بَلَى قَالَ الصُّومُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَالصَّدَقَةُ تُكْسِرُ ظَهْرَهُ وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۱۵۸). بنا بر روایت فوق حب در جهت الهی است که شیطان را از انسان دور نموده و انسان را به سمت کمال می‌رساند.

از منظر آموزه‌های روایی حب دارای لایه‌های معنای متعددی است که لایه اصلی آن حب بین خدا و انسان است و لایه دیگری که در اثر حب الهی ایجاد می‌شود حب بین انسان و انسان‌های کامل است که مصداق اتم آن ائمه اطهار علیهم السلام هستند.

در راستای محبت و علاقه به خداوند است که محبت به اهل بیت علیهم السلام شکل می‌گیرد. اهمیت این موضوع در جایی است که عدم ولایت ائمه علیهم السلام و نپذیرفتن تبعیت آنان منجر به نپذیرفتن اعمال نیکو می‌شود؛ در این جاست که اهمیت تعریف دین به معنای محبت تبیین می‌شود. در روایتی آمده است: «اللهم فانی اوفی و اشهد و اقر و لا انکر و لا اجحد و اسر و اعلن و اظهر و ابطن بانک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و ان محمدا عبدک و رسولک صلی الله علیه و آله و ان علیا امیرالمؤمنین سید اوصیاء و وارث علم النبیاء علم الدین و مبیر المشرکین و ممیز المنافقین و مجاهد المارقین و امامی و حجتی و عروتی و صراطی و دلیلی و محبتی و من لا اثق باعمالی و لو زکت و لا اراها منجیه لی و لو صلحت الا بولایه و الائتمام به و الاقرار بفضائله ... اللهم بتوسلی بهم الیک و تقربی بمحبتهم و تحصنی بامامتهم افتح علی فی هذا الیوم ابواب رزقک و انشر علی رحمتک و حبیبی الی خلقک و جنبینی بغضهم و عداوتهم انک علی کل شیء قدیدر...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۴: ۳۷۲؛ احمدی میانجی، ۱۴۴۶، ج ۵: ۲۴۰؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۳۰۳). وجود چنین احادیثی تعریفی برای بیان اسلام و دین اسلام می‌باشد.

زنجیره و ترتیب امتدادی که در طول این محبت‌ها شکل می‌گیرد علاوه بر رساندن انسان به معرفت حقیقی آثاری را برای جامعه بشری به دنبال دارد؛ زیرا قرار گرفتن افراد با یک مؤلفه و شاخصی ثابت، مانند حب به اهل بیت علیهم السلام منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای هدفمند و متحد،

توجه به نقش سنت در کنار قرآن به عنوان دو میراث گران‌بها در تربیت نظام هستی، گنجینه‌های نهفته‌ای از تربیت و محبت را فرا روی آن چه در مجموعه جهان هستی است قرار می‌دهد. یکی از مصادیق تربیت، محبت می‌باشد. بر کسی پوشیده نیست که تعالیم وحی و عبرت پر از آموزه‌های معرفتی و تربیتی است و محبت نیز زیر مجموعه‌ای از معرفت و تربیت می‌باشد.

این مهم را باید افزود که تحلیل و واکاوی این موضوعات و تبیین آن، به دقت وافر و موشکافی دقیق روایات نیازمند است تا پاسخگوی نیازهای بشری و در یک کلام رسیدن به تربیتی صحیح و در نتیجه محبت باشد.

این پژوهش درصدد است محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام را تحلیل کند؛ بنابراین با مراجعه مسأله محورانه به منابع روایی در پی دستیابی و تحلیل ابعاد این مهم می‌باشد و برای رسیدن به این موضوع منابع روایی به روش تحلیلی-توصیفی بررسی شده است.

به‌طور مشخص پژوهشی مستقل با این عنوان تدوین نشده است؛ اما در ارتباط با موضوع اخلاق و محبت، پژوهشگران در کتب و مقالات خود نظرانی را ارائه داده‌اند. آن چه در ابتدا ضروری می‌نماید دستیابی به فهم دقیق این واژه، یعنی محبت است.

۱. معنای محبت در لغت

محبت در دانش لغت از ریشه (ح.ب.ب)، اسم مصدر، به معنای دوستی، عشق و حب به یک چیز می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۱؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۶۴؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۷؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۳۲۱). در معاجم، حب به معنای میل یا خواستن یک چیز می‌باشد و در نتیجه تلاش کردن در جهت آن چه که دوست دارد (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۰۵؛ عسکری، ۱۴۰۰: ۱۱۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۶). معنای محبت را می‌توان ذیل چند عنوان دسته‌بندی کرد: محبتی که برای لذت‌بردن و شادی است، محبت برای به‌دست آوردن فضیلت و بزرگی، محبت برای رسیدن به معنویت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۷۷).

با توجه به نظرات ذکر شده می‌توان گفت: محبت به معنای دوستی، عشق و خواستن و رفتن به سمت چیزی است که انسان به آن علاقه دارد و آن چه حائز اهمیت می‌باشد توجه به این نکته است که این محبت به چه سمت و سویی دلالت دارد؟

۲. مفهوم محبت از منظر روایات

از منظر روایات حب امری کاملاً عقلانی است و از جنود عقل است؛ چنان که بغض نقطه مقابل حب و از جنود جهل است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲). حب در کلام اهل بیت نشانه‌ای از قدرت الهی است: «وَبَلِکْ وَکَیْفَ احْتَجَبَ عَنْکَ مِنْ اَرَاکَ قُدْرَتَهُ فِی نَفْسِکَ؟... وَ حُبَّکَ بَعْدَ بُغْضِکَ وَ بُغْضِکَ بَعْدَ حُبَّکَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۷۵).

همتا و در کنار هم برای رسیدن به اهدافشان و در نهایت موفق شدن جامعه بشری می‌شود. این محبت، تشعشات خود را مانند آفتابی با نور شعاعی وسیع به دیگران می‌تاباند و آن‌ها را حول یک محور و مدار به جریان در می‌آورد. ابوذر غفاری زمانی که به مکه رفت در یک دیدار به گونه‌ای متحول شد که به تمام عقاید و عادت‌های باطل پشت پا زد و با توجه به اطرافیان و دوستانی که در کنار او قرار داشتند همگی آماده هر گونه مبارزه و جهاد شدند. بله آن‌ها دریافته بودند که درس محبت و عشق در دفتر، کتاب و مدرسه آموختنی نیست (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۳۱).

محبت و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام بدون کسب معرفت و شناخت آن‌ها ممکن نیست؛ بنابراین وجوب محبت و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام و موذت به آن‌ها مستلزم معرفت و شناخت آنان است. در نتیجه امر به معرفت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام امر به معرفت الله است که علت غایی نظام آفرینش است. در روایتی آمده است: «من احبکم فقد احب الله من عرفهم (اهل البيت) فقد عرف الله» (قمی، ۱۳۸۴: ۹۵۴). در نتیجه محبت به اهل بیت علیهم‌السلام راهی برای رسیدن به معرفت آن‌هاست و معرفت و شناخت ایشان، راهی برای چگونه رسیدن به معرفت الله است (همایونی، ۱۳۸۴: ۲۳ و ۲۲).

در روایات این لایه از حبّ دارای اثرات و نتایجی است که در این نوشتار بدان اشاره می‌شود.

۳. آثار محبت به اهل بیت علیهم‌السلام در روایات

محبت و عشق زمانی که سرمنشأ و سرچشمه‌ای از محبت اهل بیت علیهم‌السلام داشته باشد این نتیجه را به دنبال دارد که بشر به مرحله صبرورت می‌رسد؛ یعنی از مرحله‌ای به مرحله بالاتری دست می‌یابد و تمامی مراحل تکامل برای رسیدن به انسانی کامل را در می‌نوردد.

۳-۱- محبت به اهل بیت علیهم‌السلام دلیلی بر محبت و در نتیجه معرفت به خداوند

در حدیثی قدسی آمده است: «كنت كنزا مخفيا، فاحببت ان اعرف، فخلقت الخلق لكي اعرف» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۴: ۱۱۹). «من گنجی مخفی بودم، دوست داشتم شناخته شوم؛ پس آفرینش را آفریدم تا شناخته شوم». توجه به این گونه از احادیث دو نتیجه مهم را به دنبال دارد: ۱. محبت و عشق دلیل خلقت مخلوقات است؛ ۲. منظور از «خلقت الخلق لكي اعرف»، آفرینش اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

اهل بیت علیهم‌السلام تنها کسانی بوده‌اند که با معرفت و محبت خود و در نتیجه شناختی که از این محبت حاصل می‌شد هدف خلقت و نظام هستی را به سرانجام رساندند؛ به گونه‌ای که وجود آنان خود عاملی برای بهره‌مند شدن از فیوضات الهی است و این دلیل بر واجب بودن محبت و موذت به اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. این موضوع تفسیری برای این عبارت است که می‌خوانیم: «و لکم الموده الواجبه و الدرجات الرفیعه و المقام المحمود» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۷۷). محبت به اهل بیت علیهم‌السلام واجب است؛ زیرا به علت وجود آنان است که جهان آفرینش به وجود آمده است (همایونی، ۱۳۸۴: ۱۸ تا ۱۲).

۲-۳- محبت به اهل بیت علیهم‌السلام عاملی برای آمرزش و نجات انسان‌ها

حدیث «باب حطه» از جمله احادیثی است که در منابع شیعه و اهل سنت آمده است: «انما مثل اهل بیته فیکم کمثل سفینه نوح من رکبها نجا، و من تخلف عنها غرق و انما مثل اهل بیته فیکم مثل باب حطه فی بنی اسرائیل من دخله غفر له» (طبرانی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۲۲۲؛ بحرانی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۳۰). اهل بیت علیهم‌السلام در این روایت به باب حطه تشبیه شده‌اند؛ همان‌گونه که بنی اسرائیل برای این که مشمول مغفرت الهی قرار گیرند نیازمند عبور از بیت المقدس بودند تا از خداوند طلب مغفرت کنند. اهل بیت علیهم‌السلام نیز حکم باب حطه را دارند؛ بنابراین کسی که به دنبال رحمت و مغفرت الهی است باید به ایشان رجوع کرده و در برابر آنان مطیع و خاضع باشد. البته نباید از این مسأله غافل شد که این محبت باید منتهی به عمل شود؛ چرا که اگر محبتی واقعی باشد قاعدتاً تبعیت را به دنبال خواهد داشت. مشابه همین احادیث در جایی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ابن عباس فرمودند: «حبّ علی بن ابی طالب یا کل الذنوب کما تاکل النار الحطب» (شوکانی، بی‌تا: ۳۶۷؛ کاشف الغطاء، ۱۳۸۴: ۱۴۲؛ ابن عراق کنانی، ۱۳۷۸: ۳۵۵). «دوستی علی علیهم‌السلام گناهان را می‌خورد همان‌گونه که آتش هیضم را می‌سوزاند».

۳-۳- محبت به اهل بیت علیهم‌السلام عاملی برای عاقبت به خیری

در حدیثی آمده است: «من رزقه الله حبّ الاثمه من اهل بیته فقد اصاب خیر الدنیا و الاخره فلا یشکن احد انه فی الجنه» (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲: ۵۱۵). «اگر خداوند متعال کسی را به این رزق برساند که محبت اهل بیت علیهم‌السلام مرا در سفره او قرار دهد، به تمام خیر دنیا و آخرت راه پیدا کرده است؛ بنابراین چنین شخصی در بهشت است». با توجه به این که یکی از ارزاق ما محبت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد این محبت در وجود اشخاصی که رخنه می‌کند موهبتی برای رسیدن به بهشت و در نتیجه عاقبت به خیری و سعادت می‌باشد؛ زیرا عشق و محبت به آنان، تنفّر از فسق، گناه و کفر را برای انسان به ارمغان می‌آورد و زمانی که از درون تجلی یابد در اعمال صالح می‌درخشد. دلی که برای اهل بیت علیهم‌السلام باشد او را اعانت می‌نماید؛ بنابراین اگر کسی به مقام محبت عالیّه برسد آموشدهای زودگذر او را به خود مشغول نمی‌سازد؛ زیرا محبوب بزرگ‌تری دارد.

۴-۳- محبت به اهل بیت علیهم‌السلام باعث بهره‌گیری از عالی‌ترین مراتب رزق برای انسان

این نکته بر کسی پوشیده نیست که خداوند رزق و روزی‌های بسیاری را برای انسان به وجود آورده است و می‌توان این رزق‌ها را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم‌بندی کرد. تمام آن‌چه از خداوند به واسطه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام به انسان می‌رسد طیب و پاکیزه است. در روایتی این گونه می‌خوانیم «من سره علی ان یکون علی موائد النور یوم القیامه فلیکن من زوار الحسین بن علی» (ابن قولویه قمی، بی‌تا: ۹۳): «در روز قیامت



زائرین سیدالشهداء بر سر سفره‌هایی از نور می‌نشینند و از مانده‌های نورانی استفاده می‌کنند». در حدیثی دیگر نیز آمده‌است: «حَبَّ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رِزْقُهُ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيْئَةٌ» (اربعی، ۱۴۰۳: ۱۳۵): «مَحَبَّتِ عَلِيٍّ رِزْقِي اسْتِ كَمَا بَا أَنْ هِيَجَّ سَيْئَةُ بِيْهُ اِنْسَانٍ ضَرَرُ نَمِيْ رَسَانِدْ». هِيَجَّ رِزْقِي بِالْاِتْرَازِ اِيْنِ وِجُوْدٍ نَدَارِدُ كَمَا اِنْسَانٍ بِهَوَاسِطَةِ اَهْلِ بِيْتِ عَلِيٍّ بَدَانِهَا دَسْتِ يَابِدْ.

۳-۵- محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) بهترین نوع ارتباط با آنان

همان‌طور که در زیارت امین‌الله می‌خوانیم: «خداوند! دل و جان مرا شیفتهٔ اولیاء برگزیده‌ات قرار ده و مرا در زمین و آسمان محبوب گردان» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۳۹۵). انسان‌ها پیوسته از چهرهٔ محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند و هر چه این ارتباط قوی‌تر باشد، تبدیل به رابطه‌ای تنگاتنگ میان محبت، عشق و پیروی می‌شود و در نهایت استحکام در رابطه را به دنبال دارد. به همین ترتیب اگر آشنایی ضعیف و کم‌تری نسبت به آن‌ها داشته باشیم بی‌تردید رابطهٔ ضعیف‌تری را تجربه خواهیم کرد؛ چنان‌که در روایتی دیگر آمده‌است: «مَنْ احْبَبَنَا بِقَلْبِهِ وَاَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَاَقَاتَلَ مَعَنَا بِجَسَدِهِ فَمَعْنَاهُ فَيُجَنِّتُنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۱۰۷). «هر کس ما را در دل دوست داشته‌باشد و با زبانش یاری کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد و با تمام وجود دلباختهٔ ما بشود در بهشت هم درجه و هم‌نشین ما خواهد بود».

۳-۶- محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) عامل دستگیری از انسان در لحظات دشوار

در حدیث می‌خوانیم: «لِيَنْفَعَك حَبْنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ: عِنْدَ نَزْوَلِ مَلِكِ الْمَوْتِ وِعِنْدَ مَسْأَلَتِكَ فِي قَبْرِكَ وِعِنْدَ مَوْفِقِ بَيْنِ يَدِيْ اِلَّاهِ» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۴۶۱): «دوستی و محبت ما اهل بیت در سه جای مهم و سرنوشت‌ساز برای تو سود خواهد داشت: هنگام نازل شدن فرشتهٔ مرگ و موقعی که در قبر از تو سؤال و بازخواست می‌شود و زمانی که در روز قیامت در مقابل پروردگارت ایستاده‌باشی». همان‌گونه که ذکر شد از دیگر اثرات محبت و عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) عبور از لحظات و شرایط هولناک و سخت می‌باشد. به‌راستی وقتی دنیا و آنچه متعلق بدان است را باید کنار گذاشت و راهی دنیای ابدیت شد، چرا این همه اصرار و جفا برای ماندن و دوری از اهل بیت (علیهم‌السلام)؟! به این جهت است که در جایی دیگر آمده‌است: «بدان که هیچ بنده‌ای از دوستان ما نمی‌میرد مگر این که در هنگام مردن، مرا آن‌گونه که دوست دارد می‌بیند و هم‌چنین از دشمنان و مخالفین ما کسی نمی‌میرد تا این که هنگام مرگ درحالی که

دلش نمی‌خواهد مرا می‌بیند و شرمند می‌شود» (همان: ۴۴۸).

۳-۷- محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) شاخصی برای قبولی کارها و در نتیجه رسیدن به خواسته‌ها

از دیگر احادیثی که در این راستا ذکر شده‌است این است: «هر کس ما اهل بیت را دوست داشته‌باشد ایمان او مفید بوده و اعمالش پذیرفته می‌شود؛ اما اگر کسی محبت ما اهل بیت را در دل نداشته‌باشد از ایمان خویش بی‌بهره بوده و کارهای نیک و اعمال دینی او مقبول نخواهد بود گرچه روزها به روزه و شب‌ها به عبادت بپردازد» (صفاقمی، بی‌تا: ۳۶۴). در جایی دیگر آمده‌است: «به خدا قسم کسی که در دل یقین به ولایت خانوادهٔ ما داشته‌باشد برای او از عبادت هزار سال بهتر است» (نوری، ۱۳۲۰، ج ۱: ۱۶۸). این نوع از محبت، نوعی اطمینان خاطر را برای انسان به‌وجود می‌آورد و موجب جاذبهٔ محبت بیش‌تری در وجودش می‌شود و درخواست از خداوند نیز تعلیم خاصی است که خداوند بوسیلهٔ اهل بیت (علیهم‌السلام) به انسانها هدیه داده‌است.

بر کسی پوشیده نیست که وقتی انسان محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) را در خودش تقویت کند و آن را به مراتب عالی‌تر برساند، محبت خداوند را نیز به‌دست می‌آورد و از خود محوری و درجا زدن در امور روزمره رهایی می‌یابد. این محبت در تمامی ابعاد روابط انسانی او تأثیرگذار می‌شود؛ در نتیجه چنین افرادی نه تنها در رابطهٔ خود و پروردگارش و نیز اهل بیت (علیهم‌السلام) بلکه در تمامی ابعاد جامعهٔ بشری مؤثر خواهد بود و باعث تحکیم و تقویت روابط اجتماعی‌اش می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

بنیاد هستی نظام آفرینش بر پایهٔ محبت آفریده شده‌است؛ محبتی که از جنود عقل و خود ایمان و دین است. طبق روایات یکی از با ارزش‌ترین شاخص‌های به تعالی رسیدن در فرهنگ اسلامی، محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشد؛ زیرا این محبت، سازندهٔ انسان و سعادت انسان است و از همه مهم‌تر آثار تربیتی بسیاری را به دنبال دارد. محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) سبب معرفت به خداوند، عاملی برای آموزش و نجات انسان می‌شود. عاقبت به‌خیرگی، عالی‌ترین مراتب رزق، برگزیده‌ترین و برترین نوع ارتباط برای انسان را به ارمغان می‌آورد و با دست‌گیری در لحظات دشوار، شاخصی برای قبولی کارها و در نتیجه رسیدن به اجابت‌ها می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). عیون اخبارالرضا علیه السلام به کوشش مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
۲. ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸). جمهره اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱). مهج الدعوات و منهج العبادات. قم: دارالذخائر.
۴. ابن عراق کنانی، علی بن محمد. (۱۳۷۸). تنزیه الشریعه الموضوعه عن الاخبار الشیعه الموضوعه. بیروت: مکتبه القاهره.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد. (بی تا). کامل الزیارات. بی جا.
۷. احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶). مکاتیب الائمہ علیهم السلام. ج ۵. قم: دارالحديث.
۸. اربلی، علی بن عیسی. (۱۴۰۳). کشف الغمه فی معرفه الائمہ. بی جا: دارالاضواء.
۹. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱). تهذیب اللغة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۲۲). غایه المرام و حجه الخصام. ج ۳. بی جا: مؤسسہ تاریخ العربی.
۱۱. بهشتی، احمد. (۱۳۸۶). فلسفه دین. قم: بوستان کتاب.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). انتظار بشر از دین. به کوشش محمدرضا مصطفی پور. قم: اسراء.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۴. حرّ عاملی، محمدبن حسین. (۱۴۱۴). وسائل الشیعه. (بی جا): آل البيت.
۱۵. دیلمی، حسین بن ابی الحسن. (۱۴۰۸). اعلام الدین فی صفات المومنین. بیروت: مؤسسہ آل البيت لاحیاء التراث.
۱۶. راغب اصفهانی، حین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
۱۷. شوکانی، محمدبن علی. (بی تا). الفوائد المجموعه فی احادیث الموضوعه. قم: کتابخانه معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
۱۸. صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴). تهذیب اللغة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۹. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳). الخصال. ج ۲. بی جا: جامعه مدرسین.
۲۰. صفارقمی، ابو جعفر محمد بن حسن. (بی تا). بصائر الدرجات. بی جا: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۱. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۲۲). معجم الصغیر. ج ۲. بیروت: دارالفکر.
۲۲. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰). الفروق اللغة. بیروت: دارالافاق الجدید.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). العین. قم: نشر هجرت.
۲۴. قمی، عباس. (۱۳۸۴). مفاتیح الجنان. ترجمه کمرهای. تهران: نبوی.
۲۵. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۸۴). الفردوس الأعلى. بی جا: انوار مهدی.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامی.
۲۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه اطهار. ج ۱۰ و ج ۲۷ و ج ۸۴ و ج ۹۴. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۸. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. نوری، حسین. (۱۳۲۰). مستدرک الوسائل. ج ۱. بیروت: آل البيت.
۳۰. همایونی، علویه. (۱۳۸۴). عشق ذوی القربی. ج ۲. اصفهان: کانون پژوهش.

نقد و بررسی دیدگاه مفسران فریقین در بیان مصداق واژه اهل البيت ذیل آیه تطهیر

محمدرضا ایرانی مهر

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

چکیده

یکی از اختلافات مفسران فریقین تعیین مصداق واژه اهل البيت در آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب/۳۳) است. اختلاف نظر در مصداق «اهل بیت» در این آیه شریفه باعث شده است که مفسران و متکلمان شیعه و اهل سنت اقوال گوناگونی را بیان کنند. جمیع دانشمندان و مفسران شیعه از جمله علامه طباطبایی، با استفاده از آیات، روایات متواتر و ادله عقلی مصداق بارز اهل بیت را پیامبر اکرم ﷺ علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ دانسته‌اند؛ در مقابل، عده‌ای از اهل سنت از جمله سید بن قطب و سید محمود آلوسی همسران پیامبر و حتی اقوام ایشان را در این مصداق شریک داشته‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی به بازخوانی نظریات مفسران فریقین در مصداق واژه اهل البيت می‌پردازد و آن‌ها را نقد و ارزیابی می‌کند تا نشان دهد اهل‌بیتی که در دیگر آیات قرآن کریم چون آیه «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳) اجر رسالت گرامی اسلام قرار گرفته‌اند، تنها معصومین می‌باشند.

واژگان کلیدی: آیه تطهیر، اهل‌بیت، اصحاب کساء، تفاسیر فریقین.

مقدمه

آیه شریفه سی و سوم سورة احزاب بیان می‌کند که اراده خداوند بر این امر تعلق گرفته است که اهل بیت پیامبر ﷺ از هر رجس و پلیدی پاک باشند. تعبیر «يُطَهَّرُكُمْ» در پی «لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ» تأکیدی بر طهارت و پاکیزگی به دنبال دور شدن پلیدی‌ها است و «تَطْهِيرًا» که مفعول مطلق است نیز تأکیدی دیگر برای طهارت به شمار می‌رود. «الرِّجْسَ» که با الف و لام جنس است، هرگونه پلیدی فکری و عملی اعم از شرک، کفر، نفاق و جهل و گناه را در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۱۲).

مروری بر دیدگاه‌های مطرح شده در مصداق اهل بیت در آیه تطهیر

در آیه ۳۳ سورة احزاب واژه «اهل بیت» به کار رفته است و مصداق این عبارت در نزد مفسران متفاوت است. کاوشی در تفاسیر موجود شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد هشت دیدگاه و نظریه پیرامون مصداق اهل بیت وجود دارد که با توجه به حساسیت این آیه شریفه بازخوانی این دیدگاه‌ها و نقد و بررسی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. ابتدا مروری بر هشت دیدگاه داریم؛ سپس هر یک از دیدگاه‌ها را نقد و بررسی می‌کنیم تا خواننده محترم خود به دیدگاه برتر دست یابد.

۱. عده‌ای تنها همسران پیامبر را مصداق اهل بیت در این آیه شریفه می‌دانند. این نظریه را در روایاتی از عکرمه، ابن عباس، عروه بن زبیر می‌توان دید (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۹۴).

۲. گروهی علاوه بر اصحاب شریف کساء، پیامبر اکرم ﷺ، امام علی ﷺ، حضرت زهرا ﷺ، امام حسن ﷺ، امام حسین ﷺ، همسران پیامبر را مخاطب آیه شریفه قلمداد کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۹۸).

۳. نظر عده‌ای هم همه آن کسانی است که در عرف جزو خاندان آن جناب به شمار می‌روند؛ چه همسرانش، چه خویشاوندان و نزدیکانش؛ یعنی آل عباس، آل عقیل و آل جعفر (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۲: ۱۴).

۴. بعضی دیگر گفته‌اند: غیر از همسران آن جناب هستند و خطاب در «عنکم» از شما» متوجه اقربای رسول خدا ﷺ است؛ یعنی آل عباس، آل عقیل، آل جعفر و آل علی (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۲: ۱۴).

۵. عده‌ای دیگر گفته‌اند: مراد اهل مسجد رسول خدا ﷺ است (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۲: ۱۳).

۶. بعضی دیگر گفته‌اند: مراد از اهل بیت، اهل بیت الحرام است که در آیه «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ» (انفال/۳۴) آنان را متقی خوانده‌است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۶).

۷. بعضی دیگر گفته‌اند: مراد خود رسول خدا ﷺ و همسران اوست. شاید آن‌چه به عکرمه و عروه نسبت داده‌اند همین باشد؛ چون آن‌ها گفته‌اند: مراد تنها همسران رسول خدا ﷺ است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۲).

۸. در پایان عده‌ای هم تنها و تنها مصداق اهل بیت را در این آیه شریفه «اصحاب شریف کساء» یعنی پیامبر اکرم ﷺ، امام علی ﷺ، حضرت زهرا ﷺ، امام حسن ﷺ، امام حسین ﷺ می‌دانند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۹۸).

سورة مبارکه احزاب شامل معارف، احکام، قصص، عبرت‌ها، و مواظبی چند است؛ از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق و اشاره‌ای هم به داستان یهودیان بنی قریظه دارد. سیاق آیات آن شهادت می‌دهد این سوره از سوره‌هایی است که در مدینه نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۰۸). مطلب مهم و حائز اهمیت که شأن و منزلت والایی به این سوره بخشیده است، وجود آیه تطهیر در لابه‌لای آیات این سوره می‌باشد. قسمتی از آیه ۳۳ سورة مبارکه احزاب «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» که به «آیه تطهیر» معروف است گویای فضیلتی بی‌نظیر برای اهل بیت خاندان عصمت و طهارت است که مایه مباهات و تفاخر شیعیان است. روایات گوناگونی در شأن نزول این آیه شریفه در تفاسیر شیعه و سنی دیده می‌شود که هر کدام به گونه‌ای، مصداق اهل بیت را در این آیه مشخص می‌کند. تعیین و تبیین صحیح این مصداق می‌تواند دایره عصمت را برای عده‌ای محدود یا وسیع گرداند. به اجماع تمامی مفسران شیعه و عده‌ای از مفسران اهل سنت، پیامبر اکرم ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ مصداق اکمل و اتم این آیه شریفه می‌باشند و از آن جایی که آیه تطهیر در میان آیات مربوط به همسران پیامبر نازل شده است، عده‌ای از مفسران اهل سنت، همسران پیامبر را نیز در شأن نزول این آیه تعمیم داده‌اند. حتی بعضی با افراط و تفریط اصحاب شریف کساء را از این دایره حذف نموده‌اند و تنها همسران پیامبر را مصداق این آیه قرار داده‌اند. در مقابل بعضی نیز علاوه بر همسران پیامبر، اقوام و خویشان پیامبر را به آن‌ها اضافه کرده‌اند.

با توجه به اهمیت و شأن آیه تطهیر، کتاب‌های فراوانی از قلم مؤلفان و محققان شیعه و سنی تألیف شده است؛ مانند کتاب «اهل بیت در آیه تطهیر» نوشته جعفر مرتضی عاملی و «آیه التطهیر» تألیف السید علی الحسینی الميلانی و کتاب «الفتح و التیسیر فی آیه التطهیر» تألیف محمد بن الطیب بن عبد السلام القادری. هم‌چنین پایان‌نامه و مقالات فراوانی نیز در این زمینه نگاشته شده است.

پژوهش حاضر آیه تطهیر را از منظر مفسران فریقین بازخوانی می‌نماید. برای بررسی نگاه مفسران به این آیه شریفه ابتدا به ذکر و ترجمه آیات شریفه ۳۲ الی ۳۴ سورة مبارکه احزاب پرداخته؛ آن‌گاه هر هشت دیدگاه بیان و نقد می‌شود.

آیات شریفه ۳۲ الی ۳۴ سورة مبارکه احزاب

« يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرْجٌ وَ لَنْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۳۲) وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳) وَ أَذْكَرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴) ».

ای همسران پیامبر! شما هم‌چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوی پیشه کنید؛ بنابراین به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید (۳۲) و در خانه‌های خود بمانید و هم‌چون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را بر پا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و رسولش را اطاعت نمائید. خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد (۳۳) و آن‌چه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت دانش خوانده می‌شود یاد کنید. خداوند لطیف و خبیر است (۳۴).

نقد و بررسی دیدگاه‌های مطرح شده در مصداق «اهل البیت»

* دیدگاه اول: همسران پیامبر تنها مصداق اهل بیت

این دسته از روایات از طریق عکرمه، ابن عباس، عروه بن زبیر وارد شده‌است. ابن کثیر در تفسیرش می‌گوید: این آیه (آیه تطهیر) تصریح در این است که همسران پیامبر داخل در اهل‌بیت هستند؛ زیرا آنان سبب نزول این

آیه بوده‌اند و سبب نزول بدون تردید داخل معنا است. حالا یا خودش به تنهایی بنا بر یک قول یا طبق نظر صحیح، همراه با دیگران. طبری از عکرمه نقل کرده‌است که وی در بازار این آیه را می‌خواند و می‌گفت تنها درباره زنان پیامبر نازل شده‌است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶: ۳۶۴).

سید قطب نیز مصداق آیه را زنان رسول خدا می‌داند و در ذیل این آیه شریفه چنین می‌نویسد: در لابه‌لای این سخن پیام‌های فراوانی است که همه آن‌ها والا و مهرانگیز و دلنوازند. در این آیه با بیان علت تکلیف و هدف آن مهر و عطفی نهفته است؛ مهر و عطفی که به این موضوع اشاره دارد: یزدان سبحان بدیشان می‌فهماند خودخدا و الا مقامی‌کداشتن و پاکیزه‌نمودن آنان را و زودن ناپاکی از ایشان را برعهده می‌گیرد! این هم عنایت و رعایت آسمانی مستقیم و بدون واسطه‌های در حق اهل این بیت است. وقتی که تصور میکنیم چه کسی گوینده این فرموده‌است متوجه می‌گردیم این تکریم و تعظیم چه اندازه سترگ و بزرگ و فراوان است. خداوند متعال در واپسین بند این بخش، این اوامر و رهنمودها را وسیله‌ای برای از میان بردن ناپاکی و پاکیزه‌نمودن این بیت شریف قرار می‌دهد.

خداوند بزرگوار این رهنمودها و رهنمون‌های زنان پیغمبر را با چیزی به پایان می‌برد که همانند همان چیزی است که رهنمودها و رهنمون‌ها را بدان آغاز کرده‌است. زنان پیغمبر را متوجه مکانت و منزلتی می‌فرماید که دارند. امتیاز ایشان را بر سایر زنان ذکر میکند. امتیازی که به سبب جایگاهی که در پیش پیغمبر خدا دارند نصیب ایشان شده‌است و این امتیاز هم‌چنین به علت این است که خدا بدانان لطف فرموده‌است و خانه‌هایشان را جایگاه نزول قرآن و فرودگاه حکمت و فرزنگی، و مکان طلوع نور و هدایت و ایمان نموده‌است (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۸: ۲۸۶۱).

بررسی و نقد

در این گفتار سید قطب با بیان شیوا و نوینی که دارد برای همسران پیامبر به سبب تکلیف و هدفی که خداوند برای آنان وضع کرده‌است جایگاهی بس رفیع و والا قرار داده‌است و مصداق آیه تطهیر را مختص ایشان دانسته و اشاره‌ای هم به اهل‌بیت (ع) یا حتی روایاتی که در شأن نزول این آیه آمده (اعم از شیعه و سنی) نمی‌کند. با وجود این که حتی کسانی از اهل سنت که آیه را مخصوص به پیامبر (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) ندانسته‌اند معنی وسیعی برای آن قائل شده‌اند که هم این بزرگواران را شامل می‌شود و هم همسران پیامبر را.

علامه طباطبایی در میزان می‌گوید: به‌طور مسلم فقط زنان پیامبر اهل بیت او نیستند، برای این که هیچ‌گاه صحیح نیست ضمیر مردان را به زنان ارجاع داد و به زنان گفت «عنکم»؛ از شما؛ ضمیری که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت ضمیر «جمع مؤنث» است بلکه

اگر فقط همسران اهل بیت بودند، باید می‌فرمود «عنکن»؛ درحالی که ضمیر این قسمت از آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» همه به صورت «جمع مذکر» است و این نشان می‌دهد معنی دیگری در نظر بوده‌است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۳).

از همه این‌ها گذشته پاره‌ای از همسران پیامبر در طول زندگی خود به کارهایی دست‌زدند که هرگز با مقام معصوم بودن سازگار نیست؛ مانند ماجرای جنگ جمل که قیامی بود بر ضد امام وقت و سبب خونریزی فراوانی گردید و به گفته بعضی از مورخان تعداد کشتگان این جنگ به هفده هزار نفر می‌رسید. بدون شک این ماجرا به هیچ وجه قابل توجیه نیست و حتی می‌بینیم که خود عایشه نیز بعد از این حادثه اظهار ندامت می‌کند. نمونه‌ای دیگر عیب‌جویی کردن عایشه از خدیجه (ع) است که از بزرگ‌ترین و فداکارترین و با فضیلت‌ترین زنان اسلام محسوب می‌شود در تاریخ اسلام مشهور است. این سخن به قدری بر پیامبر (ص) ناگوار آمد که از شدت غضب مو بر تنش راست شد و فرمود: به خدا سوگند که هرگز همسری بهتر از او نداشتم. او زمانی ایمان آورد که مردم کافر بودند و زمانی اموالش را در اختیار من گذاشت که مردم همه از من بریده‌بوندند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۳۰۳). هم‌چنین آن‌ها گاهی مرتکب گناه می‌شدند. همان‌طور که در سوره تحریم می‌خوانیم: پیامبر رازی را به بعضی از همسرانش فرمودند و او امانت داری نکرد و به دیگری گفت: قرآن این عمل را گناه نامیده و می‌فرماید: «إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» (تحریم/۴). اگر از کار خود توبه کنید (به نفع شما است)؛ زیرا دل‌هایتان از حق منحرف گشته‌است.

* دیدگاه دوم: همسران پیامبر و اصحاب شریف کساء مصداق آیه

فخرالدین رازی در تفسیر مفاتیح الغیب بعد از توضیح مختصری درباره آیه می‌گوید: «اقوال مختلفی در مصداق اهل‌بیت وارد شده‌است؛ ولی بهتر است که گفته‌شود آنان (اهل‌بیت) فرزندان رسول خدا و همسران او هستند و حسن و حسین و علی از آنان می‌باشند؛ چون او (علی) به سبب معاشرت با دختر پیامبر اکرم (ص) و همراهی اش با پیامبر از اهل‌بیت او محسوب می‌شود» (فخر رازی، بیتا، ج ۲۵: ۱۶۸). هم‌چنین مفسران دیگر اهل سنت نیز با توجه به سیاق آیات قبل و بعد و ضمیر جمع مؤنثی که در این آیات مشاهده می‌شود این شمولیت را برای همسران پیامبر قائل شده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۳۸).

بررسی و نقد

روایات بسیار زیادی است که از طرق شیعه و بیش‌تر هم از طریق اهل سنت نقل کرده‌اند که آیه شریفه تنها در شأن رسول خدا (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) نازل شده‌است و هیچ‌کس در این فضیلت با آنان شرکت ندارد. حال اگر کسی بگوید این روایات بیش از این دلالت ندارد که علی و فاطمه و حسن (ع) نیز مشمول آیه هستند و این منافات ندارد با این که همسران رسول خدا نیز مشمول آن باشند، چون آیه شریفه در سیاق خطاب به آنان قرار گرفته‌است؛ در جواب می‌گوییم که بسیاری از این روایات و به‌خصوص آن‌چه از ام‌سلمه - که آیه در خانه او نازل شده - روایت شده‌است، بر این تصریح دارد که آیه مخصوص همان پنج تن است و شامل همسران رسول خدا (ص) نیست. اگر کسی بگوید آن روایات باید به خاطر ناسازگاری اش با صریح قرآن طرح شود، (چون روایت هر قدر هم صحیح باشد وقتی پذیرفته‌است که با نص صریح قرآن منافات نداشته‌باشد و روایات مذکور مخالف قرآن است، برای این که آیه مد نظر دنبال آیتی قرار دارد که خطاب در همه



شامل می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۹۵).

بررسی و نقد

همان‌گونه که در بررسی و نقد نظریهٔ دوم گفتیم این ادعای آلوسی مبنی بر شمولیت همسران پیامبر در مصداق اهل بیت، ادعای صحیحی نیست و در این جا از اضافه‌گویی صرف‌نظر می‌کنیم. هم‌چنین ادعای آلوسی مبنی بر شمولیت اقوام و خویشان در مصداق اهل بیت را می‌توان این‌گونه رد کرد که ایشان صرف نظر از معنای اصطلاحی «اهل بیت» در این آیه معنای لغوی «بیت» را مد نظر قرار داده‌است و همین امر باعث شده‌است که اهل بیت رسول اکرم ﷺ را به اقوام و خویشان هم تعمیم دهد.

در لغت عرب «اهل الرجل» را دربارهٔ خاصه و نزدیکان شخص به کار می‌برند. پس در ابتدا اهل بیت الرجل شامل زن، فرزند و حتی بستگان وی هم می‌شود؛ اما در اصطلاحات دینی، اصطلاح خاصی برای معنی اهل وضع شده است. در قرآن می‌بینیم که لفظ اهل برای بعضی خاص از خاندان انبیاء استعمال شده‌است و مقصود تمامی نزدیکان ایشان نیست؛ زیرا در قرآن حتی پسر نوح ﷺ هم از اهل ایشان استثنا شده‌است، تا چه رسد به همسر (مانند همسر نوح و لوط) «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود/۴۶).

علامه طباطبایی می‌گوید: اگر بگوییم خطاب متوجه همه است چه همسران و چه غیر آنان، می‌گوییم: این نیز باطل است؛ برای این که غیر از همسران شریک در تشدید تکلیف نبودند و اجر دو چندان هم ندارند و معنا ندارد خدای تعالی بفرماید: اگر به شما همسران رسول خدا ﷺ تکالیف دشوارتری کردیم برای این است که خواستیم عموم مسلمانان و شما را پاک نموده و پلیدی را از همه دور کنیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۴).

* دیدگاه چهارم: اقربای رسول خدا ﷺ یعنی آل عباس، آل عقیل، آل جعفر و آل علی مصداق اهل بیت.

دیدگاه دیگر دیدگاه کسانی است که خویشان رسول گرامی اسلام را مصداق اهل بیت می‌دانند. محور این دیدگاه بر پایهٔ حدیثی است که در این حدیث از زید بن ارقم سؤال شده‌است: آیا همسران پیامبر هم اهل بیت او به حساب می‌آیند؟ زید می‌گوید: قسم به خدا نه. زن چند وقتی با شوهرش خواهد بود؛ سپس وی را طلاق داده و به نزد خانواده و بستگانش بازمی‌گردد. اهل بیت پیامبر کسانی‌اند که صدقه بر آن‌ها حرام است و آن‌ها آل علی، آل عقیل، آل جعفر و آل عباس هستند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۹۶).



بررسی و نقد

بررسی صحیح مسلم نشان می‌دهد در صحیح مسلم، علاوه بر این که این روایت از یک راوی به دو صورت معارض وارد شده‌است؛ این حدیث هیچ ارتباطی با شأن نزول آیهٔ تطهیر ندارد. راوی از زید بن ارقم تقاضای نقل حدیث می‌کند و زید هم حدیث ثقلین را روایت می‌کند. راوی از زید سؤال می‌کند آیا زنان پیامبر ﷺ هم اهل بیت او حساب می‌شوند؟ زید در جواب می‌گوید: نه. اهل بیت پیامبر کسانی هستند که صدقه بر آن‌ها حرام شده‌است. این حدیث، حدیث مدرج است و از جمله مصادیق تفسیر به رأی است؛ چون به نظر و رأی خود شأن نزول آیه و مراد از اهل بیت را جمیع زهط و اقوام رسول خدا دانسته‌است، نه آن که

آن‌ها به همسران رسول خدا ﷺ است. پس باید خطاب در این آیه نیز به ایشان باشد) در پاسخ می‌گوییم: همهٔ حرف‌ها در همین است که آیا این آیه متصل به آن آیات و تتمهٔ آن‌ها است یا نه؟ چون روایاتی که بدان اشاره می‌شود، همین را منکر است و می‌فرماید این آیه به تنهایی و در یک واقعهٔ جداگانه نازل شده‌است و حتی در بین این هفتاد روایت یک روایت هم وجود ندارد که بگوید آیهٔ شریفه دنبال آیات مربوط به همسران رسول خدا نازل شده‌است. حتی کسی هم از مفسرین این حرف را زده‌اند. کسانی هم مانند عکرمه و عروه که گفته‌اند این آیه مخصوص همسران رسول خدا ﷺ است، نگفته‌اند که آیه در ضمن آیات نازل شده‌است. پس این آیه از جهت نزول جزو آیات مربوط به همسران رسول خدا ﷺ و متصل به آن نیست. حال یا این است که به دستور پیامبر دنبال آن آیات قرارش داده‌اند یا بعد از رحلت رسول خدا ﷺ اصحاب در هنگام تألیف آیات قرآنی در آن جا نوشته‌اند. مؤید این احتمال این است که اگر آیهٔ یادشده که در حال حاضر جزو آیهٔ «وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِكُنَّ» است، از آن حذف شود و فرض کنیم که اصلاً جزو آن نیست، این آیه با آیهٔ بعدش که می‌فرماید: «وَ اذْکُرْنَ» کمال اتصال و انسجام را دارد و اتصالش به هم نمی‌خورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۶).

این مسأله صحیح است که آیهٔ تطهیر لابه‌لای آیات مربوط به همسران رسول خدا ﷺ نازل شده‌است؛ ولی این اولین بار نیست که در آیات قرآن به آیاتی برخورد می‌کنیم که در کنار هم قرار دارند اما از موضوعات مختلفی سخن می‌گویند. قرآن پر است از این گونه بحث‌ها (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۴). هم‌چنین در کلام فصحای عرب و اشعار آنان نیز نمونه‌های فراوانی برای این موضوع موجود است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۴) و رسم فصیحان و شاعران و ادیبان عرب این بوده که در میان مطالب معمولی حرف جدید و مهمی مطرح می‌کنند تا تأثیرش بیش‌تر باشد؛ چنان‌که در میان اخبار صدا و سیما، اگر گوینده یک مرتبه بگوید: به خبری که هم اکنون به دستم رسید توجه فرمایید، این گونه سخن گفتن یک شوک روانی و تبلیغاتی ایجاد می‌کند. هم‌چنین نظیر این آیه را در آیهٔ سوم سورهٔ مائده خواندیم که مطلب مربوط به ولایت و امامت و کمال دین و تمام نعمت و یأس کفار و رضای الهی در کنار احکام مربوط به گوشت خوک و خون، نازل شده‌است و این گونه جا سازی‌ها رمز حفظ قرآن از دستبرد ناهالان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۳۶۳). هم‌چنین می‌توان گفت: قرآن می‌خواهد با این تغییر ضمائر به همسران پیامبر ﷺ بگوید شما در میان خانواده‌ای قرار دارید که گروهی از آنان معصوم‌اند. کسی که در زیر سایهٔ درخت عصمت و در کانون معصومان قرار گرفته سزاوار است که بیش از دیگران مراقب خود باشد و فراموش نکند که انتساب او به خانواده‌ای که پنج معصوم پاک در آن است مسئولیت‌های سنگینی برای او ایجاد می‌کند و خدا و خلق خدا انتظارات فراوانی از او دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۲۹۵).

* دیدگاه سوم: کلّ خاندان پیامبر مصداق اهل بیت

یکی از مفسرینی که به شکل مسوط در این باره سخن گفته و این دیدگاه را به شکل وسیعی تعمیم داده‌است سید محمود آلوسی صاحب تفسیر روح المعانی می‌باشد. آلوسی در روح المعانی بعد از بیان دیدگاه‌های مختلف مفسران شیعه و سنی به نقد آن‌ها پرداخته و معتقد است اهل بیت مختص به اهل شریف کساء نبوده و شامل افراد دیگری نیز می‌شود. از جمله کسانی که رابطهٔ قوی با پیامبر اکرم داشته‌باشند؛ مانند همسران، کنیزان، نوه‌ها، نزدیکان و هر کسی که به گونه‌ای از جهت عرفی سکونتش با آن حضرت در یک خانه زشت و قبیح نباشد را

از رسول خدا روایت کرده‌باشد و علاوه بر این اگر مراد از اهل بیت جمیع بنی هاشم باشند مسلماً مراد از اذهاب رجس و تطهیر در آیه، عصمت نیست بلکه باید مراد همان تقوا و ملازمت طاعات باشد و این معنی منافات با حصر اذهاب رجس در اهل بیت دارد.

* دیدگاه پنجم: اهل مسجد رسول خدا ﷺ مصداق اهل بیت

برخی با تکیه بر روایات اهل مسجد رسول خدا را مصداق اهل بیت دانسته‌اند (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۳). این دیدگاه معروف و مشهور نیست؛ بنابراین تنها به نقد و بررسی آن اکتفا می‌نماییم.

بررسی و نقد

اگر از نظر سندی و متنی این قبیل روایات را قبول کنیم با سیاق آیات قبل و بعد ناسازگاری دارد. تعبیر «اهل البیت» به اتفاق همه علمای اسلام و مفسران، اشاره به بیت پیامبر ﷺ است و این چیزی است که از ظاهر خود آیه نیز فهمیده می‌شود؛ چرا که «بیت» گرچه به صورت مطلق در این جا ذکر شد اما به قرینه آیات قبل و بعد، منظور از آن، بیت و خانه پیامبر ﷺ است. الوسی می‌گوید: منظور از «البیت» خانه گلی و چوبی است و آن خانه مسکونی خود پیامبر است نه خانه خویشاوندان و نه مسجد نبوی (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۹۴).

* دیدگاه ششم: اهل بیت الحرام مصداق اهل بیت

یکی از دیدگاه‌ها درباره مصداق اهل بیت در آیه تطهیر این است که منظور از آن «اهل بیت الله الحرام» است. در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ» (انفال/۳۴) سرپرستان آن مسجد الحرام فقط پرهیزکاران هستند. شاید بتوان روایت وائله بن الأسقع را در این مهم برای طرفداران این دیدگاه به شمار آورد که چنین نقل می‌کند: من در نزد رسول خدا ﷺ بودم که ناگهان علی، فاطمه، حسن و حسین آمدند و پیامبر کسای خود را روی آنان انداخت و سپس فرمود: خداوند! اینان اهل بیت من هستند. بدی را از آنان دور کن و آن‌ها را کاملاً پاکیزه گردان. در این موقع گفتم: خدایا من هم؟ حضرت فرمود: تو نیز. در روایت دیگر چنین می‌خوانیم: از گوشه خانه گفتم: ای رسول خدا! آیا من نیز از اهل بیت تو هستم؟ حضرت فرمود: تو نیز از اهل بیت من هستی (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۶).

بررسی و نقد

این دیدگاه یکی از بارزترین نمونه‌های تفسیر به رأی به شمار می‌آید؛ چون بحث از بیت الله الحرام در آیه‌ای از آیات نورانی قرآن کریم به هیچ وجه مستلزم آن نیست که مراد از اهل البیت در آیه تطهیر نیز اهل بیت الله الحرام باشد. در واقع اشتباه اصلی طرفداران این دیدگاه خلط بین اهل خانه خدا و اهل خانه نبوت و رسالت است.

روایت مورد استناد هم یک روایت به عنوان خبر واحد محسوب شده و هم چنین قسمت آخر روایت که آن را به خودش نسبت داده‌است در کتب مهم اهل سنت نیست. چگونه ممکن می‌شود که پیامبر همسر خود را از این مصداق خارج کرده و شخص دیگری که از خانواده خود محسوب نمی‌شود مصداق این آیه قرار دهد؟! هم چنین طبق نظر مفسرین این نظر بسیار با سیاق آیات نامتناسب است؛ چرا که در این

آیات سخن از پیامبر ﷺ و بیت او در میان است نه بیت الله الحرام و هیچ‌گونه قرینه‌ای بر آن چه گفته‌اند وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۲۹۳).

* دیدگاه هفتم: رسول خدا و همسرانشان مصداق اهل بیت

علامه در قولی یک احتمال دیگر در مصداق اهل بیت مطرح و خود نیز آن را نقد می‌نماید. ایشان می‌گویند: می‌توان مصداق اهل بیت را رسول خدا به همراه همسرانشان دانست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۵).

بررسی و نقد

اگر سؤال شود چرا جایز نباشد که خطاب متوجه همسران رسول خدا ﷺ و خود رسول خدا ﷺ باشد؟ با این که تکلیف خود رسول خدا ﷺ هم مانند تکلیف همسرانش شدید است. در پاسخ می‌گوییم: نباید همسران آن جناب را با خود آن جناب مقایسه کرد؛ چون آن جناب مؤید به داشتن عصمت خدایی است و این موهبتی است که با عمل و اکتساب به دست نمی‌آید تا بفرماید تکلیف تو را تشدید کردیم و اجرت را مضاعف نمودیم تا پاکت کنیم؛ چون معنای این حرف این است که تشدید تکلیف و دو چندان کردن اجر مقدمه یا سبب است برای به دست آمدن عصمت. به همین جهت هیچ یک از مفسرین این احتمال را نداده‌اند که خطاب متوجه رسول خدا ﷺ و همسرانش باشد و بس. اگر ما آن را جزو اقوال ذکر کردیم، به عنوان این است که این هم یک احتمال است و خواستیم با ایراد این احتمال نظریه آن مفسرینی که گفته‌اند مراد خصوص همسران آن جناب است تصحیح کنیم، نه این که بگوییم کسی از مفسرین این احتمال را هم داده‌است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۵).

* دیدگاه هشتم: اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ مصداق اهل بیت

اگر به منابع تفسیری و حدیثی فریقین نگاه کنیم خواهیم دید که تعداد قابل توجهی از روایات مربوط به آیه تطهیر درباره اختصاص آیه به اصحاب کساء می‌باشد. بر اساس این روایات متواتر و صحیح، آیه تطهیر در اواخر زندگی پیامبر اسلام و در خانه ام المؤمنین، ام سلمه نازل شد. حسکانی در شواهد التنزیل، بیش از صد و سی حدیث در این زمینه نقل کرده‌است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۳۳ و ۱۳۹). در مضمون بسیاری از این احادیث آمده‌است که پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین را زیر کساء (پوششی) قرار داد و آیه تطهیر نازل شد (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲، ج ۸: ۲۷۶). البته در برخی از این احادیث آمده‌است که رسول خدا ﷺ پس از نزول آیه آنان را جمع کرد و بر آنان کسای قرار داد و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی». این روایات به حدیث کساء شهرت یافته‌اند (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۸۹). علامه سید محمد حسین طباطبایی در این باره می‌نویسد: این روایات بسیار و بیش از هفتاد حدیث است. بیش‌تر آن‌ها از طریق اهل سنت نقل شده که این خود بیش‌تر از چیزی است که از طریق شیعه روایت شده‌است. اهل سنت آن را تقریباً از چهل طریق و شیعه آن را بیش از سی طریق نقل کرده‌است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۱۱).

نتیجه گیری

همچنین از آن جایی که این آیه عصمت اهل بیت علیهم السلام را بیان می‌دارد، همسران پیامبر در قرآن کریم چند بار از جانب خداوند سرزنش شده‌اند و این سرزنش‌ها با عصمت الهی سازگار نمی‌باشد.

عده‌ای از مفسرین اهل سنت هم، دایره مصداق یابی واژه اهل بیت را گسترده‌تر کرده و علاوه بر همسران پیامبر آن را به خویشاوندان و نزدیکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم تعمیم داده‌اند. عده‌ای هم همسران پیامبر را از این نظریه جدا کرده‌اند. همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم اولاً این قلیل روایات اگر از نظر سندی مشکلی نداشته باشند نسبت به روایات متواتر دیگر در تعارض هستند. دوماً صاحبان این نظریه عموماً به واژه لغوی اهل بیت اهتمام ورزیده و از معنای اصطلاحی و خاص اهل بیت که قرآن کریم آن را مد نظر دارد توجهی نکرده‌اند. سوماً این روایات در صحیح مسلم به دو صورت معارض با هم نقد شده‌است؛ آن هم ربطی به شأن نزول این آیه ندارد و مربوط به حدیث ثقلین می‌باشد و این عمومیت را خود راوی بدون استناد به معصوم قائل شده‌است.

آیه تطهیر که در لابه‌لای آیه ۳۳ سوره احزاب واقع شده‌است یکی از آیاتی است که در مصداق یابی واژه «اهل بیت» بین مفسرین شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر ناشی از وجود آیه تطهیر در میان آیات مربوط به همسران پیامبر می‌باشد. عده‌ای از مفسرین اهل سنت با توجه به سیاق آیات قبل و بعد از آیه تطهیر، مصداق واژه اهل بیت را فقط مخصوص همسران پیامبر دانسته‌اند. عده‌ای دیگر این نظریه را گسترده‌تر کرده و گفته‌اند مصداق این آیه شریفه، هم می‌تواند شامل همسران پیامبر شود و هم شامل اصحاب شریف کساء. دلیل رد این نظریه این بود که: اولاً روایات متواتری از شیعه و سنی وارد شده‌است که اهل بیت خاص پیامبر، تنها علی، فاطمه، حسن، و حسین علیهم السلام می‌باشند و احدی در این مصداق شراکت ندارد. دوماً هیچ کدام از همسران پیامبر نگفته‌اند که ما مصداق آیه تطهیر هستیم و اگر این مصداق آن‌ها را فرامی‌گرفت قطعاً روایاتی در ذیلش می‌آمد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). ج ۳ و ۶. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. ج ۱۱ و ۲۲. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۳. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۱۹ ق). سنن ترمذی. ج ۶. قاهره: دارالحديث.
۴. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. ج ۲. تهران: وزارت الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
۵. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. ج ۳. بیروت: دار الکتب العربی.
۶. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی. (۱۴۲۵ ق). فی ظلال القرآن. ج ۸. چ ۳۵. بیروت: دار الشروق.
۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. ج ۱۱. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۸. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ج ۱۶. چ ۵. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۲۲. چ ۳. تهران: ناصر خسرو.
۱۰. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). ج ۱۲. بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر. (بی تا). التفسیر الکبیر. ج ۲۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. قراتتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. ج ۷. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲ ق). صحیح مسلم. ج ۸. قاهره: دارالحديث.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. ج ۱۷. چ ۱۰. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مقاله

محبت به اهل بیت در افغانستان

زکيه هزاره‌ای
دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه شیراز
zhazara125@gmail.com



۱. شیعیان افغانستان

دین رسمی مردم افغانستان اسلام است. اهل سنت (مذهب حنفی) در اکثریت و شیعیان امامیه و اسماعیلیه در اقلیت هستند. درصد شیعیان در این کشور، بین ۲۵ تا ۳۰ درصد برآورد شده است. شیعیان در مناطق مرکزی کشور به صورت عام و هم‌چنین در سایر استان‌ها و به ویژه در مراکز آن به صورت پراکنده سکونت داشته و زندگی می‌کنند. ژئوپلیتیک^۱ (تأثیر جغرافیا بر سیاست و رفتارهای سیاسی) برای شیعیان افغانستان مفهومی ملموس‌تر دارد و دلیل آن در محاصر قرار داشتن آنان توسط حکام دست‌نشانده و وابسته بوده است. به طور کلی ترکیب جمعیت شیعیان را در مناطق مختلف می‌توان به صورت زیر بررسی کرد.

۱-۱. شیعیان هزارهجات

هزارهجات که در قلب افغانستان واقع شده، شامل استان‌های بامیان، غزنی، ارزگان، غور، جوزجان، سمنگان و قسمتی از بلخ است. هزارهجات از نظر جغرافیایی طوری قرار گرفته است که استان بامیان در قلب و مرکز آن واقع شده است و سایر نواحی در اطراف آن قرار دارند. شهر بامیان که دارای قدمت تاریخی و باستانی بوده و از تمدن کهنی دارد، در مسیر جاده ابریشم واقع شده است و راه اتصال تجار چینی را از شرق به شرق میانه فراهم می‌آورد و اکنون مرکز فرهنگی هزاره‌ها است که اکثر جمعیت آن شیعه مذهب و تعدادی از آنان هم سادات صحیح‌النسب هستند.

۱-۲. شیعیان کابل

شیعیان در کابل به سه دسته عمده قومی تقسیم می‌شوند:

۱. سادات که از گذشته‌های دور و هم‌زمان با ورود اسلام به افغانستان در کابل نیز وجود داشته‌اند.

۲. قزلباش‌ها که از زمان تصرف کابل توسط نادرشاه در همان‌جا ساکن شده و در بعضی از مقاطع، نقش مهمی در جریان‌های تاریخی داشته‌اند. عموماً قزلباش‌ها به سبب قرابت صوری و شکلی به پشتون‌ها، کم‌تر آزار و اذیت شده‌اند و موقعیت اقتصادی نسبتاً خوبی دارند.

۳. هزاره‌ها که به دلیل شرایط دشوار زندگی در هزارهجات، سرکوب حکومتی و کمبود عمومی تسهیلات اولیه مانند بیمارستان و مدرسه به کابل مهاجرت کرده‌اند. از لحاظ جمعیتی گفته می‌شود در هنگام فتح کابل در زمان مجاهدین، نیمی از جمعیت کابل متعلق به هزاره‌ها بوده است.

۱-۳. شیعیان شمال

ناحیه ترکستان افغانستان یا همان ساحه شمال از مناطقی است که به جرأت می‌توان گفت نیمی از جمعیت آن، بخصوص در استان‌های بلخ و جوزجان متعلق به شیعیان بوده و البته حضور شیعیان در استان بلخ نمود بیشتری دارد؛ چه اینکه بیشتر ساکنان مزار شریف و نواحی اطراف آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. در سال ۱۳۷۷ طالبان با تصرف مزار شریف، دست به قتل عام گسترده مردم شیعه زد. روضه سخی که منسوب به حضرت علی علیه السلام است، در این شهر قرار دارد و عده‌ای از مردم معتقدند که مدفن حضرت علی علیه السلام در مزار شریف است و شیعه و سنی برای زیارت مشتاقانه به آنجا می‌روند.

اشعاری را از حفظ در وصف خداوند، پیامبر ﷺ و علی ﷺ و فرزندانش به نوبت می‌خوانند. این اشعار معمولاً با آهنگ دل‌انگیزی خوانده می‌شود. در چنین مجالسی فقط مردان شرکت می‌کنند. هر مدّاح چند هزار شعر از حفظ دارد و با آهنگ‌های گوناگون مدّاحی می‌کند. اشعار که از بهترین دیوان‌های شعری شیعیان برگرفته شده، از حفظ خوانده می‌شوند. مدّاحان معمولاً عصا در دست و در حالت قدم‌زدن میان مستمعان به مدیحه‌سرایی می‌پردازند. عسائی که مدّاح در دست خود می‌گیرد به یکی از موسفیدان تعلق دارد.

۲-۳. مجالس عزاداری امام حسین ﷺ

شیعیان در افغانستان در انجام مراسم و مناسک مذهبی خود آزاد نبودند و بیش‌تر اعمال خود را در خفا انجام می‌دادند یا تقیّه می‌کردند. اوج این گونه رفتارهای تبعیض‌آمیز مذهبی را می‌توان در دوران عبدالرحمن مشاهده کرد که از برپایی مراسم عزاداری امام حسین علیه‌السلام شدیداً جلوگیری می‌کرده‌است. این امر باعث درگیری و برخوردهای خونین میان مأموران و مردم شده و در بسیاری از نقاط، مراسم محرم به طور مخفیانه انجام می‌شد.

۳-۳. اعیاد و مناسبت‌ها

جشن‌هایی که در میان شیعیان افغانستان برگزار می‌شود تماماً مذهبی بوده و با مراسم مخصوص به آن‌ها انجام می‌شود. معمولاً سال‌روز ولادت ائمه اطهار ﷺ را در طول سال جشن می‌گیرند؛ اما مهم‌ترین عیدهایی که جلوه‌ای خاص دارند، عبارت‌اند از:

• **عید فطر:** مردم این روز را با خواندن نماز عید و پوشیدن لباس‌های نو و رفت‌وآمد به خانه یکدیگر گرامی می‌دارند.

• **عید قربان:** مردم این روز را با دادن نذورات گرامی می‌دارند.

• **عید برات:** در این روز که میلاد قائم آل محمد ﷺ است، مجالسی برای گرامی‌داشت آن حضرت برپا می‌دارند که همواره با مدّاحی و مقالات ادبی همراه است.

• **عید اموات:** معمولاً یک یا دو شب قبل از عید فطر و عید قربان، عید مردگان و گذشتگان اعلام می‌شود و در آن روزها معمولاً مجلس ختم قرآن و روضه‌خوانی برگزار می‌کنند و از دعوت شدگان پذیرایی کرده و ثواب آن را به روح مردگان اهدا می‌نمایند.

• **عید نوروز:** این روز را با خلافت ظاهری حضرت علی ﷺ مصادف دانسته و برای چند روز مجالس برگزار می‌کنند. نوروز در افغانستان، به‌خصوص در میان شیعیان آداب خاصی دارد.

۲. فعالیت‌های فرهنگی شیعیان افغانستان در ایران

یکی از رویدادهای سرنوشت‌ساز در تاریخ افغانستان فعالیت‌های فرهنگی شیعیان این کشور در ایران است که این فعالیت‌ها به حدی گسترده بوده‌است که در مقایسه با تاریخ شیعیان در چند قرن اخیر قابل تصور نیست. بسترهای فرهنگی مناسبی که در ایران فراوری شیعیان افغانستان قرار گرفت موجب نگاه نو فرهنگی بین شیعیان افغانستان شد و موقعیت اجتماعی آنان را دگرگون ساخت. بیش از ۲ دهه از تحصیل شیعیان در مدارس و آموزشگاه‌های دولتی ایران می‌گذرد و قشر جدیدی از فرهنگیان به وجود آمده‌اند که از تحصیلات عالی برخوردارند و می‌توانند در شکوفایی و توسعه افغانستان نقش داشته‌باشند. اکثر کمک‌های دولت جمهوری اسلامی ایران اکنون صرف مسائل فرهنگی می‌شود و بسیاری از دانشجویان افغانستان از جمله شیعیان در مقاطع مختلف تحصیلی از جمله تحصیلات تکمیلی، آموزش‌های تخصصی خود را ادامه می‌دهند.

نسل جدید از طالب جوان هم، اکنون پرورش یافته‌اند که افزون بر تخصص در علوم دینی، در علوم انسانی نیز با رویکرد دینی تخصص دارند و طبیعی است که در جامعه دینی افغانستان می‌توانند مصدر خدمات ارزنده فرهنگی نیز باشند؛ تحولات فرهنگی جاری در افغانستان این مسئله را به روشنی تأیید می‌کند. همچنین قابل ذکر است که شیعیان افغانستان در پرتو بسترهای یاد شده توانستند در دوره جدید، متمرکزترین و به‌روزترین مراکز و نشریه‌های فرهنگی را در افغانستان دایر کنند که در نوع خود بی‌نظیر است.

۳. آداب و رسوم مذهبی و اجتماعی شیعیان در افغانستان

آداب و رسوم اجتماعی در افغانستان به‌شدت تحت تأثیر مذهب قرار گرفته‌است؛ به‌خصوص شیعیان به خاطر فشارهای مذهبی، حساسیت بیشتری به مسائل مذهبی خود نشان می‌دهند و به هر طریقی سعی در حفظ آن‌ها دارند. به طور کلی مذهب نمودی آشکار در زندگی شیعیان دارد که در این‌جا به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۳. منقبت خوانی

یکی از رسوم مذهبی شیعیان که کم‌تر به آن توجه شده‌است «منقبت‌خوانی» است. این مراسم به صورت هفتگی در خانه‌ها یا تکیه‌خانه‌ها برگزار می‌شود. منقبت‌خوانان یا مدّاحان بر حسب توانایی،

منابع

۱. آصف محسنی، محمد. (بی‌تا). شیعیان افغانستان چه می‌خواهند؟ (بی‌جا).

۲. سجّادی، سید عبدالقیوم. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان؛ قوم، مذهب و حکومت. قم: بوستان کتاب.

۳. ظهوری، محمد. (۱۵ دسامبر ۲۰۱۸). شیعه در افغانستان. فرهنگ اسلامی. (<https://farhangeeslami.com>)

۴. فرهنگ، سید محمدحسین. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۵. موسوی، سید عسکر. (۱۳۷۹). هزاره‌های افغانستان. ترجمه اسدالله شفاهی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرخ.

۶. یزدانی، حسین علی. (بی‌تا). تاریخ تشیع در افغانستان. مشهد: بهرام.

یادداشت

علي ابن أبي طالب في الفكر المسيحي

ندا قیاسی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه شیراز



و مناقب علی ابن ابی طالب أشهر من نار علی علم. کتب فیها الكثیرون من الأدباء و الباحثین من السنة و الشيعة منذ العصور الأولى و إلى یومنا هذا، یذكر الأستاذ (عباس محمود العقاد) و هو من المفکرین و الأدباء المسلمین السنة أن الإمام علی كان للفکر الإسلامی بمثابة القطب من الریح، و لكننا هنا لسنا بصد ما قاله إخواننا أهل السنة بل نرید أن نسلط الضوء علی ما كتبه الأدباء و الكتاب المسيحيون عن عقبی فذل لم تلد أم الزمان له قریناً و لقد أنصف هؤلاء فیما كتبوه و نقلوه و جزماً بالیقین نقول أنصفه المسيحيون فی حین كان من بین المسلمین من لمینصف فی وصفه و أغمض عینیه حین كان یروی.

و حدیثنا هذا بعيداً عن إبتعد عن الإنصاف، لكننا نستهدف بیان و جیز نقل الكم القلیل مما خطه نقاء ضمیر أولئك الكتاب المسيحيون من أمثال میخائیل نعیمه، و جورج جرداق، و شبلی شمیل، و جرجی زیدان، و بولس سلامه، و عبد المسيح الإنطاکی، و أنطوان بارا و غیرهم ... إن الإمام بالنسبة إلى أولئك المفکرین المسيحيین لیس إماماً لكل مسلم فحسب بل إمام لكل إنسان، فها هو الشاعر بولس سلامه یقرّ بذلك و یذعن و یقول بأعلى صوته :

لا تُلّ شیعۀ هواة علی إن فی کلّ منصف شیعياً

هو فخر التاريخ لا فخر شعب یصطفیه و یدعیه ولیاً

إلی أن یقول... لجلج الحق فی المسيحي حتی صار من فرط حبه علویاً.

بسم الله الرحمن الرحيم

لنا فی حياة أهل البيت عليه السلام معین لا ینضب من الهدایة و البصیره و الإیمان و الأمل، فهم القمم التي نتطلع بشوق إليها و لهفة، و هم المنارات التي تكشح الدیاجیر من أمام أرجلنا و أبصارنا، و هم الذین یجدون ثقتنا بأنفسنا و بالحياة و أهدافها البعيدة و لو لاهم لتولانا القنوط فی كفاحنا مع المجهول و لرفعنا الأعلام البيض إستسلاماً منا أمام الصعب الصعاب. لقد تعاورت الأفلام حياة أهل البيت، و انهكها الباحثون دراسةً و خاصة حياة نیراس الهدی بعد النبی الأکرم عليه السلام أمير المؤمنین علی ابن ابی طالب عليه السلام.

و هذه الكلمات نخطها قاصرة لعظیم البشريّة، ذاك العظیم الذي أنبتته أرض عریبة، و لكنّها ما أستأثرت به، و فجر ینابیع مواهبه الإسلام، و لکنه ما كان للإسلام وحده، ذاك البطل الذي بهر العالمین بسحر بیانه، و طهارة وجدانه، و عمق إنسانيته، و حرارة إيمانه، و صفاء بصيرته، و نصرته للمظلوم، و تعبده للحق أينما تجلی له الحق، و مهما تقادم العهد بیننا و بينه و كلما اشتد بنا الوجد لبناء حياة صالحة نعود إليه لترتشف من بحر نداء جرعة تطفأ الضمأ، و توقد نیر البصیره.

یقول الكاتب المسيحي میخائیل نعیمه: إنه لیستحيل علی أي مؤرخ أو كاتب، مهما بلغ من الفطنة و العبقرية، أن یأتیک حتی فی الف صفحة بصورة كاملة لعظیم من عیار الإمام علی ابن ابی طالب عليه السلام.

استشهد (رونالدسن) علی کثرة فضائل الإمام و تکامل شخصيته بحديث للإمام أحمد بن حنبل مأخوذ من (المسند) و الذى يقول فيه: لم ترد رواية لأحد من أصحاب رسول الله ﷺ بقدر ما ورد فى فضائل على.

و تأکیداً علی هذا الكلام كتب الأستاذ (جورج جرداق) تحت عنوان التماسك فى شخصية الإمام على قائلاً: أما أعماله و أقواله فواحدة لا تتناقض و لا تتعارض بل تتبع من معين واحد كما ينبع الماء من الأرض. و لقد أتحف الأستاذ جورج جرداق المكتبة الإسلامية بكتابه الإمام على صوت العدالة الإنسانية، و أبدع هذا الكاتب المسيحي فيما كتبه عن سيد الأوصياء و أنصف حين رسم بديع كلماته تلك العظمة التى لا مثيل لها، علماً بأن الكلمات تقف مكفوفة الأيدى أمام وصف من إجتمع فيه الأضداد فهو ذاك الشجاع المقدم الذى لا ينزله ولا يقارعه مغوار فى ساحة الوغى وهو الرؤوف المتعاطف الحنون الذى يحمل على كنفه الطعام للأيتام. وهو إمام الحق فالحق يدور وإنما دار على ابن أبى طالب بشهادة الرسول ﷺ.

لا يسعنا الوقت لنقل كل ما كتبه أولئك الأدباء المبدعين، ولكن الهدف من هذه الأسطر كان نقل و لو الكم القليل من انصاف أولئك الأدباء المنصفين فى حق مولى الموحدين ﷺ.

لقد كرس العديد من هؤلاء جُلَّ جهودهم و كامل طاقتهم فى إحياء مبادئ و تراث أهل البيت ﷺ و منهم الأديب (عبد المسيح الإنطاكى) الذى نظم أول ملحمة إسلامية فى تاريخ اللغة العربية و جعل عنوانها (ملحمة الإمام على) و التى بلغ عدد أبياتها (۵۵۹۵) و لم يكتف فى ملحمة بتدوين كل الأحداث الإسلامية بطريقة شعرية رائعة بل قام بتقديم صورة توضيحية لكثير من الأحداث.

تنساب أروع العبارات على لسان أولئك الذين يُنصفون فى رسم صورة لإمام الحق بعيدة عن أى إنحياز.

يقول الأديب (نصرى سهل) عن ذلك الإمام العظيم عند ربّه، الغريب عند قومه، و الذى لم يُقدر حق قدره فى أمته: «على مدرسة، بل عالم قائم بذاته، مجموعة قيم، قطعة من سماء شاء الله أن يُزيّن بها الأرض، غير أن الأرض أثبتت أنها غير جديرة بذاك العطاء، لقد أثرت الظلمة على النور، و العهر على الطهر، و المكر على المروءة، و الجبن على البطولة، و الغدر على نبيل الخلق».

و يقول المستشرق الأنجلبرى (دوايت رونالدسن) إن ما قام به الإمام على ﷺ فى سبيل الإسلام قد حوّله إلى ما يشبه الأسطورة، و لقد

ترجمه فارسی همین یادداشت

این واژگان را دربارهٔ راد مرد بشریت به رشتهٔ تحریر در می‌آوریم؛ اما آن‌ها قاصرند از وصف بزرگ مردی که سرزمین اعراب او را به دنیا بخشیده است اما از وی تأثیر پذیرفته است. اسلام توانایی‌هایش را شکوفا ساخت؛ اما او فقط از آن اسلام نبود. این دلاور مرد با جادوی بیان، با ژرفای انسانیتش، با گرمای ایمانش، با صفای بصیرتش و با یاری‌اش به مظلومان و تعبدش در برابر حق هر زمان که حق و حقیقت تجلی پیدا می‌کرد جهانیان را متحیر ساخت.

باید گفت: هرچند که روزگار میان ما فاصله ایجاد کند، و هرآینه که دلتنگِ زندگی پاک گردیم به‌سوی او بر میگردیم تا از برکت دریای کرامتش جرعه‌ای بنوشیم، عطش را فرو نشانیم و خورشید بصیرت را برافروزیم.

نویسندهٔ مسیحی (میخائیل نعیمه) می‌گوید: «محال است که نویسنده یا تاریخ‌نگاری هرچند حاذق و توانمند باشد بتواند تصویر کاملی حتی در هزار صفحه دربارهٔ [فرد] بزرگی هم‌تراز امام به رشتهٔ تحریر در آورد».

علی بن ابی‌طالب در اندیشهٔ مسیحیت

زندگی أهل بیت ﷺ سرچشمهٔ فیاض هدایت، بصیرت، ایمان و امید برای ماست. آن‌ها قله‌هایی هستند که با شمع و اشتیاق به سوشان مینگریم و انواری هستند که تاریکی‌های مسیر ما را روشن می‌سازند و به زندگی و چشم اندازه‌های آینده ما اعتماد می‌بخشند. اگر آن‌ها نبودند یأس و ناامیدی در جهاد با امور نهان زندگی راهبر ما می‌گشت و قطعاً ما را مجبور به برافراشتن پرچم‌های سفید به‌عنوان سازش با نامالیقات می‌کرد.

قلم‌ها به وصف زندگی أهل بیت بسیار پرداختند و اندیشمندان بی‌حدو حصر پیرامون آن‌ها نوشتند به‌ویژه دربارهٔ زندگی پرچمدار هدایت پس از پیامبر اکرم ﷺ حضرت امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب ﷺ.

حوادث را به تصویر کشیده‌است. ملاحظه میکنیم که زیباترین تعابیر بر زبان کسانی جاری می‌گردد که در کمال بیطرفی سعی دارند تصویری بینظیر از امام ترسیم کنند.

نویسنده و ادیب مسیحی (نصری سلهب) درباره‌ی امامی که جایگاه عظیمی نزد پروردگار خود داشت و در میان قومش غریب بود و آمت وی ارزشش را نشناخت می‌نویسد: علی مدرسه است، نه. علی جهانی قائم به ذات است. مجموعه‌ای از ارزشهاست، قطعه‌ای از آسمان که خداوند اراده فرمود زمین را بدان مزین کند؛ لیکن زمین ثابت کرد که سزاوار این عطا نیست. زمین تاریکی را بر روشنایی، پلیدی را بر پاکی، نیرنگ را بر جوانمردی، ترس را بر شجاعت و خیانت را بر وارستگی ترجیح داد.

خاورشناس انگلیسی (دوایت رونالدن) می‌گوید: عملکرد امام علی در راه اسلام وی را تبدیل به اسطوره نموده‌است. وی برای بیان فضائل بسیار و تکامل شخصیت امام به حدیثی از امام احمد بن حنبل برگرفته از (المسند) استناد می‌کند و شاهد مثال می‌آورد او می‌گوید: «درباره‌ی هیچکدام از یاران پیامبر ﷺ روایاتی به اندازه‌ی فضائل علی وارد نشده‌است».

و گواه این مدعا را سخنی از استاد (جورج جرداق) نویسنده‌ی حاذق مسیحی نقل میکنیم: او تحت عنوان انسجام در شخصیت امام اینگونه می‌نویسد: اما گفتار و کردارش یکی است. هیچگونه اختلافی در آنها نیست؛ از یک منبع سرچشمه میگیرند؛ مانند چشمه که از زمین تراوش میکند. جورج جرداق نویسنده‌ی کتاب گرانهای «امام علی صدای عدالت انسانی» است. او کتابخانه‌ی جهان اسلام را با این کتاب مزین نموده‌است. این نویسنده‌ی مسیحی هنگامی که در ستایش سرور اوصیاء زیباترین کلمات را در وصف عظمت بیهمتایش بکار می‌برد نگارش را به حد ابداع می‌رساند.

اذعان میکنیم که کلمات در وصف (انسانی جامع الاضداد) عاجز میمانند. قهرمانی که هیچ دلاوری یارای کارزار با وی را در میدان جنگ نداشت؛ رؤوف و مهربانی که غذا را بر دوش خود برای یتیمان حمل می‌کرد و به گواه پیامبر ﷺ امام حق که حق به دنبال او می‌چرخد هر کجا که روی آورد.

برای نقل کل نوشته‌های این ادیبان خوشذوق و خوشسخن فرصتی نیست؛ اما هدف تنها بیان مختصری از انصاف این ادیبان منصف در حق مولى الموحدين ﷺ بود.

فضائل امام همچون آتشی بر فراز کوه است. مورخان و ادیبان مسلمان از آغاز تا به امروز درباره‌ی او بسیار نوشتند. استاد (عباس محمود عقاد) نویسنده‌ی بزرگ و ادیب گرانقدر اهل سنت یادآور میشود که علیابنابیطلب سنگ زیرین آسیاب اندیشه‌ی اسلامی است.

و ما اکنون درصدد بیان گفتار اندیشمندان اهل سنت نیستیم بلکه خواهان بیان سخنان اندیشمندان مسیحی درباره‌ی بزرگی بیهمتا می‌باشیم که مادر زمانه به مانند وی را نیاورده‌است و باید اقرار کنیم که اندیشمندان مسیحی جانب انصاف را در آنچه که نوشتند و نقل کردند رعایت نمودند. قاطعانه می‌گوییم مسیحیان بسیار در حق وی منصف بوده، حال آنکه میان مسلمانان کسانی بودند که درباره‌ی وی جانب انصاف را رعایت نکردند و هنگام روایت درباره‌ی او چشمان خود را فرو می‌بستند. این نوشته از کسانی که جانب انصاف را رعایت نکرده‌اند بسیار دور است.

شاعرهدف ما از این نوشته بیانکردن مختصری است از آنچه که وجدان و سرشت پاک نویسندگان مسیحی نقل نموده‌اند؛ مانند میخائیل نعیمه، جورج جرداق، شبلی شمیل، جرجی زیدان، بولس سلامه، عبدالمسیح إنطاکی، و أنطوان بارا و... باید گفت: امام برای این افراد فقط امام مسلمانان نبود، بلکه او را امامی برای هر انسان میدانند.

شاعر مسیحی (بولس سلامه) به این امر اذعان دارد و با صدای رسا فریاد میزند:

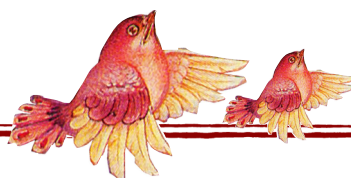
«نگو که تنها عاشقان علی شیعه هستند بلکه هر انسان منصف و حقشناسی شیعه است»

او مایه افتخار تاریخ است؛ نه فقط افتخار ملتى است که او را برگزیده و رهبر خویش قرار داده‌است

و می‌افزاید ... حق در وجود این مسیحی چنان جلوه‌گری نموده تا جایی که او از شدت عشقش علوی گشته‌است.

تعداد زیادی از این افراد بیش‌تر تلاش و توان خود را در احیای ارزشها و فرهنگ اهل بیت ﷺ قرار دادند؛ امثال (عبدالمسیح إنطاکی) که نخستین حماسه‌ی اسلامی با عنوان «حماسه‌ی امام علی» در تاریخ ادبیات عرب را سرود و تعداد ابیات آن بالغ بر ۵۵۹۵ بیت است. و تمامی اتفاقات اسلامی شعر ونه و بسیار زیبا تنظیم شده‌است؛ البته فقط به این امر اکتفا نموده بلکه با توضیحاتی کامل بسیاری از

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



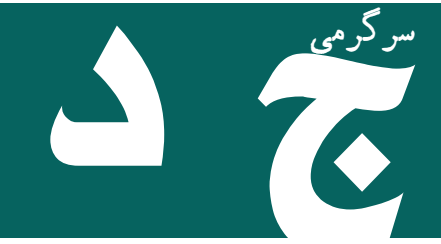


شوق بال

زیر ایوان طلا
آسمان گل کرده بود
پُل زدم تا آسمان
با دو دستم زودِ زود

بین قلبم لانه داشت
دسته دسته شوق بال
می چکید از چشم هام
آرزوهای زلال

آرزوی آن شبم
بی گمان یک راز بود
چون کبوترهای صحن
حسّ من پرواز بود



الهام استوار
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز



۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					✦		✦			۱
		✦						✦		۲
✦		✦		✦	✦			✦		۳
	✦		✦						✦	۴
					✦				✦	۵
						✦				۶
✦		✦	✦			✦			✦	۷
	✦						✦	✦		۸
	✦							✦		۹
			✦			✦				۱۰



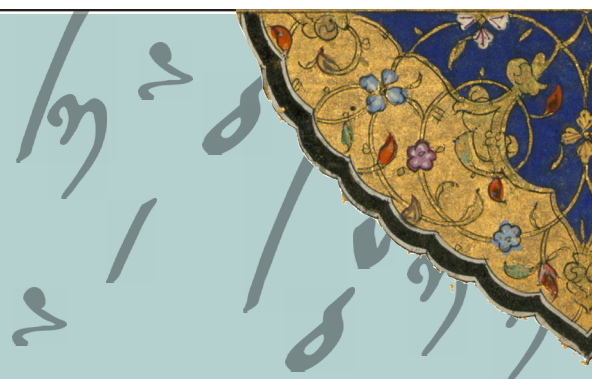
وقول

افقی:

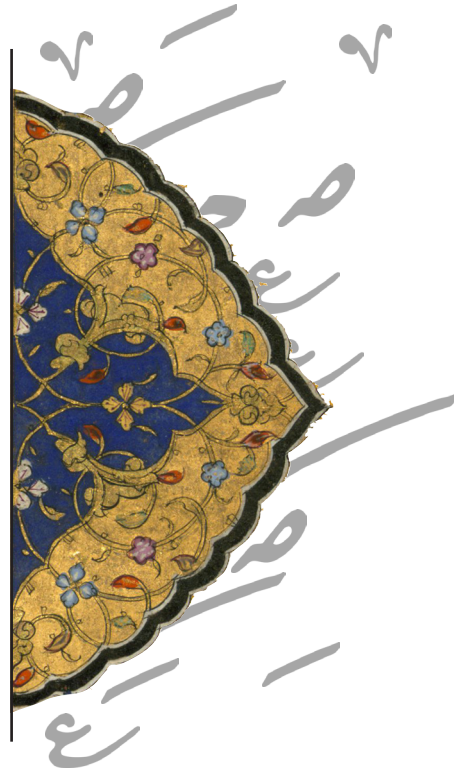
۱. اندک - نویسنده کتاب «مناقب علی بن ابی طالب» و صاحب کتاب حدیثی سنن.
۲. از آن طرف یکی از القاب حضرت فاطمه علیها السلام است - ماده خطرناک.
۳. تکرار حرفی.
۴. این آیه به این نام معروف است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ».
۵. «پیغمبر صلی الله علیه و آله را دیدم که ... را بر شانه خود داشت و می فرمود: خدایا من او را دوست دارم تو هم او را دوست مدار» - یکی از القاب حضرت فاطمه علیها السلام.
۶. اهل بیت علیهم السلام سبب آموزش این پیامبر الهی بودند، ذوی القربی.
۷. حرف ربط - بدون.
۸. آزاده - دومین (شهر) حرم اهل بیت علیهم السلام.
۹. آیه ۶۱ سوره آل عمران به این نام مشهور است.
۱۰. سبیل - پروردگار - نام دیگر سوره انسان.

عمودی:

۱. در روایت آمده است سر مبارک امام حسین علیه السلام بر روی نیزه آیه ۹ این سوره را تلاوت می فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ ... إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».
۲. آیه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» لزوم پابندی به ... در سایه مودت اهل بیت علیهم السلام را بیان می کند.
۳. یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که اجازه پیوستن به اهل کساء را نیافت - ماه کوتاه شده.
۴. طبق روایت «لا یحب علیاً منافق ولا یبغضه مؤمن: پیامبر صلی الله علیه و آله» معیار... معرفی شده است - مودت.
۵. نیکان.
۶. ماده نیست - آیه ۳۳ سوره احزاب به این نام معروف است - فعل امر به معنای ببخش.
۷. آسمان - حرف تعریف - بگو.
۸. رفتن - گهواره.
۹. آسانی - شک و تردید.
۱۰. دریا - حیرت - «هی أشهر من الشمس و القمر و اکثر من الحصى و ...»: (فضایل امام علی) شهره تر از خورشید و ماه و افزون تر از ریگ و خاک است.



در محضر رسول گرامی اسلام



«مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»
(شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲: ۵۱۵):

اگر کسی محبت اهل بیت علیهم السلام روزی او شود، به خیر دنیا و آخرت رسیده است.





بها : دو هزار تومان